

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران درباره ابراز نگرانی از شکنجه زندانیان توده ای

صفحه ۱۰

بیانیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

سه ماه از بازداشت غیرقانونی و توطئه امیز گروهی از رهبران حزب توده ایران می گذرد. طی این مدت، اجازه هیچگونه دیداری به خویشاوندان بازداشت شدگان داده نشده است. زندانیان در بازداشتگاههای مخفی نگاهداری میشوند و کمترین رابطه ای با جهان خارج ندارند. خبرهای واسطه حاکی از آنست که آنان بر اثر فشار و زخمهای حاصل از شکنجه های شدید و مداوم، احتیاج به مداوا داشته اند و وضع برخی از آنها بسیار وخیم است.

اینکه توطئه از قبل طراحی شده مرحله تازه خود را با بنفایش گزاردن باصطلاح اقرارسیر قربانیان این توطئه نتگین و شوم که هدف نهائی آن نابودی انقلاب ایران است، به مرحله اجراء گذاشته است. جان همه این افراد بیگناه و وطن دوست در معرض خطر مرگ قرار دارد و دشمنه انتقام دشمنان استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی ایران، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در حال فرود آمدن بر بیکری از تکیه گاههای عمده استقلال و آزادی کشور، حزب توده ایران است.

ما قویا بر علیه این توطئه ها که مخالف همه موازین انسانی و قانونی است، اعتراض میکنیم و از مقامات قانونی
بقیه در صفحه ۱۶

راه توده

نشریه هاداران حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۲ مطابق ۲۱ رجب
۱۴۰۲ و ۶ ۱۳۸۲
سال اول - شماره ۴۰
پیتا : ۴۰ - ریمان

بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران

و کادریهای حزب توده ایران را به اقرار " گناهان " نکرده شان واداشته و نمایش از پیش ساخته و تدارک دیدهای را به صحنه گذاشته اند که هدف آن نه تنها نابودی حزب توده ایران بلکه نابودی تام و تمام دست آورد های انقلاب ایران است.

حزب توده ایران اتهاماتی را کسه مقامات مربوطه جمهوری اسلامی ایران بسزور شکنجه و با جاشنی " اعترافات " محصول شکنجه، به آن نسبت میدهند قویا تکذیب میکند و این شیوه کهنه پلیسی را که با همکاری و رهبری عوامل سیا، اینتلجنت سرویس، موساد، متخصصین ساواک و عوامل بزرگ سرمایه داران و کلان زمین داران انجام میگیرد، وحتیانه و
بقیه در صفحه ۷

هموطنان عزیز! مردم شرافتمند جهان!

این روزها میهن ما شاهد حوادث هولناک دیگری است که با همه موازین انسانی اخلاقی و فرهنگ دیربای مردم ما و موازین بین المللی شدید مغایرت دارد. نیروهای ضد انقلاب داخلی با پشتیبانی قدرتهای امپریالیستی تشنه بازس گرفتن ایران، این بهانه گنده خود هجوم سرتاسری خود را به حزب توده ایران، این در مستحکم دفاع از استقلال، آزادی و یقینان تحولات مترقی اجتماعی ایران آغاز کرده اند. مقامات امنیتی ایران با بکار گرفتن انواع وسایل شکنجه روحی و جسمی " گرفتن اعتراف " عد های از افراد مبارز و میهن دوست از مسئولان

جمهوری راه رفته را بسرعت باز می گردد

این روزها میهن ما شاهد بزرگترین جنایت علیه انقلاب است. جنایتی که در تاریخ، نه تنها بنام عاملین مستقیم آن، که بنام تمام کسانی ثبت خواهد شد که در قبال آن سکوت پیشه کرد هاند. جنایتی که جمهوری اسلامی ایران را به سرانسیب سقوط به فرهنگ حکومتی آریامهری فروغلتاننده است.

مردم میهن ما در این روزها شاهد اجرای سناریویی هستند که پیش تر از این عوامل مسل استعمار و استعمار نو نظائر آن را برای درهم شکستن جنبش های ضد امپریالیستی و مردمی بنمایش در آورد هاند. سه ماه پیش، تحت فشار راستگرایان افراطی و روحانیت محافظه کار، و با " مساعی " خستگی ناپذیر عوامل نفوذی آمریکا و " ساواک در خدمت جمهوری "، این تفکر در حاکمیت جمهوری اسلامی غالب شد که دستگیری رهبران حزب توده ایران، دارای " فوائد سیاسی " است. برای توجیه این دستگیری، اتهام سیا ساخته و ساواک پرورده " جاسوسی " علیه حزب توده ایران تکرار گشت و " اطلاعات " و رهنمود های لازم را هم " اینتلجنت سرویس " انگلستان در اختیار ارگانهای جمهوری اسلامی گذاشت. چون سند و مدرک و دلیلی در کار نبود، ادعا گردید که " اعترافات داریم "، و چون به تصریح فرمانده سپاه پاسداران، دو ماه تمام از " اعترافات " خبری نشده، شکنجه بمیان آمد. با - اصطلاح " اقراریر " قربانیان این توطئه شوم را
بقیه در صفحه ۶

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

مطبوعات آلمان فدرال، انگلستان، اسپانیا، سوئد، فرانسه، آمریکا و دیگر کشورها ضمن درج خبر نمایش باصطلاح " اعترافات " قربانیان این توطئه و نیز " انحلال حزب " توسط ارگانهای جمهوری، قسمتهایی از بیانیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در ارتباط با شکنجه زندانیان توده های بمنظور گرفتن باصطلاح " اقراریر " ایران را محکوم می کند.

توسل حکومت جمهوری اسلامی ایران به شیوه های حکومتی آریامهری موج اعتراض محافل بین المللی و افکار عمومی جهان را برانگیخته است. بشریت ترقیخواه که پیش از این، اینگونه شیوه های سرکوب انقلابیون را در اندونزی، شیلی، کنگو و... چشم دیده است نمایش شوم " اعترافات " قربانیان توطئه علیه حزب توده ایران را محکوم می کند.

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

شیوه‌های ضد مردمی سیا و موساد نمی‌تواند مردم ایران و افکار عمومی جهان را فریب دهد

چگونگی دریافت باصطلاح "اقاریر" جعلی از قربانیان توطئه شوم علیه حزب توده ایران از زبان متخصصین

و یا با عملکرد طویل المدت همچون مدکات (Modecat) که عموماً پهنان مسکن و یا برای رفع اختلال حواس مورد استفاده قرار می‌گیرند، نزد افراد سالم که بدنیال بازداشت و شکنجه از پا در آمد هاند، هشیاری، قوه تفکر، قوه حافظه و قضاوت روحی را مختل می‌سازد. در پایان آمده است:

"بدین ترتیب امکان این حاصل می‌گردد که بطور موقت از طریق تلقین و یا تناوب فحسر و تلقین بتوان از شخص گفته‌هایی را بدست آورد که تماماً در تضاد با بنیادهای شخصیت روانی وی باشد."

متخصصین وارد در امر شکنجه‌های جسمی و روانی تأیید کرده‌اند که مبالغ هنگفتی از بودجه "سیا" برای سالهای طولانی صرف "پژوهش" درباره شیوه‌های تلقین روانی از طریق شکنجه‌های شدید شده است. باین منظور، "آزمایش" های جنایت‌باری روی سرخ پوستان آمریکا و سیاهپوستان آفریقای جنوبی انجام گرفته است. چندین بار این "آزمایش" های سباحت موج اعتراض وسیع پزشکان مترقی را برانگیخته و تحت فشار افکار عمومی دیگر علما انجام و مورد استفاده قرار نگرفته است. بخی از موارد نادری در آمریکای لاتین، از شیوه تلقین از طریق شکنجه‌های جسمی و روانی معمولاً استفاده نمی‌شود، چرا که گفته متخصصین، عملکرد این شیوه‌ها معمولاً طوری نیست که برای همیشه شخص را از آنچه بر او گذشته است بی‌خبر نگه دارد. بهمین جهت، مرتکبین جنایاتی از این قبیل باید معمولاً قربانیان خود را طبرغم "اعتراف" و "توبه" از بیسین ببرند تا خود افشا نشوند.

داد، متخصصین مختلف در نقاط مختلف جهان با بررسی فیلم این اظهارات و مطالعات دقیق بر روی حالات و حرکات "اقرار" کنندگان، قضاوت خود را درباره ارزش این "اعترافات" و عبق جنایتی که انجام گرفته اعلام کرده‌اند.

مطالعه صحنه‌های فیلم تلویزیونی "اعتراف" نشان داده است که برای گرفتن ایسین "اقراریر"، از وسایل مختلف، جسمی و روانی استفاده شده است. دوفراز روانشناسان معتبر فرانسوی در این رابطه تجربیات و مطالعات خود را بنابه درخواست ما تشریح کرده‌اند. ایسین دو نفر که دکتر واکس (Dr. Odette Waks) و دکتر گابی ریشون (Dr. Gaby Richon) نام دارند می‌نویسند:

"وسایلی وجود دارد برای مختل کسردن عمیق، اما موقتی توانایی قضاوت و مکانیزم دفاعی شخصیت برای اینکه از یک شخص از پا در آمده مطالب و اعترافات که باو تلقین می‌کنند بدست آید."

این دو پزشک معتبر بین‌المللی که سابقه فعالیت انسانی و ستانه و ترقیخواهانه دارند ادامه می‌دهند:

"این وسایل عبارت است از ترکیب چند شیوه: جسمی، روانی و دارویی."

در ارتباط با وسایل جسمی آمده است: "این وسایل شناخته شده، عبارتند از توسل به انواع شکنجه‌ها مانند سر را در آب فرو بردن، شلاق زدن، شوکهای الکتریکی و غیره." همانطور که می‌دانید، این شیوه‌ها همان شیوه‌هایی است که "ساواک" در خدمت جمهوری "از ساواک شاه بارث برده است. در رابطه با وسایل روانی، این دو پزشک متخصص مهمترین شیوه شکنجه روانی را "انزواي مخض" چه از نظر اطلاعاتی و چه از نظر حواسی دانسته و آورده‌اند:

"۱- از نظر اطلاعاتی: شخص از هرگونه رابطه و اطلاع از جهان خارج محروم می‌شود. این امر اجازه می‌دهد از انواع شناخته شده، چه از نظر خانوادگی، دوستان و چه وقایع سیاسی استفاده شود. ۲- از نظر حواسی: این نوع انزوا که شدیدترین نوع آن است، شخص را از هرگونه عوامل تأثیر بخش خارجی چون نور، صدا و تماس محسوس ساخته و باعث اختلال عصبی می‌گردد، امری که از کنترل اراده خارج می‌شود. عواقب آن انواع اختلالات عصبی همچون وحشت زدگی، اختلال روانی و غیره است."

تحت عنوان وسایل دارویی آمده است: "سو" استفاده از بعضی داروها، بخصوص از انواع داروهای نورولپتیک (Neuroleptique) با عملکرد کوتاه مدت مانند درولپتان (Droleptan)

در نمایش عمومی که بعنوان زمینه سازی برای سرکوب حزب توده ایران ترتیب داده‌اند نشان دادن فیلم باصطلاح "اعترافات" قربانیان این توطئه شوم در "استودیو اوپوسن" تنها و تنها سلاحی است که جلادان برای پیشبرد این جنایت‌بدان دل بستند. اما اینان فراموش کرده‌اند که منطبق ماکیاولی هدف وسیله را توجیه می‌کند. هیچگاه راه پجایی نمی‌برد. ضرب المثل معروفی است که می‌گوید "دروغ‌پهای کوتاهی دارد." اینک نیز هسر لحظه عیان تر میگردد که هیچکس فریب این شیوه‌های ضد مردمی را نخواهد خورد، هر چند که در ظاهر امر، این صحنه سازی جنایتکارانه غیر منتظره و "قانع کننده" بنماید. با توجه به شخصیت بزرگ علمی، سیاسی و اجتماعسی قربانیان توطئه که هر يك سالیان دراز از مبارزات خستگی ناپذیر طریقه ارتجاع و امپریالیسم را پشت سر گذاشته‌اند و امتحانات سخت را از سرگذرانده و از عقیده خود دست برنداشته‌اند، همه مردم ایران و افکار عمومی جهان بحض شنیدن خبر، درباره چگونگی دریافت این باصطلاح "اعتراف" فات "ابراز تردید کردند."

در روزهای گذشته، نظر به اهمیت بین‌المللی تحولات جاری کشورمان، محافل بسیاری در جهان به امر سرکوب حزب توده ایران توجه خاص مبذول کرده‌اند. ناظران سیاسی در سراسر جهان صحت باصطلاح "اعترافات" بنمایش درآمده در تلویزیون ایران را نفی می‌کنند و معتقدند که این نمایش از پیش تنظیم شده‌ای است برای زمینه سازی بمنظور پیشبرد جنایتی که ظاهراً زمامداران امور در ایران آنرا دارای "فوائد سیاسی" می‌بینند. موج اعتراض وسیع و گسترده محافل اجتماعی و افکار عمومی جهان باین جنایت بزرگ که نقطه عطفی در تاریخ انقلاب ایران است تا آخرین لحظات نگارش، این سطور همچنان ادامه داشت.

اما امر دیگری که در این رابطه حائز اهمیت است، عبق ابتذال و انحطاط فرهنگی نهادهای جمهوری است که با این عمل، دستان خود را به شیوه‌های ضد مردمی سیا و موساد آلوده‌اند و یک لحظه نیز باین نمی‌اندیشند که بشریت از جمعی ابله و نادان تشکیل نشده است. آنها که با یکبار بردن "جدید" ترین شیوه‌های شکنجه جسمی و روانی آزمایش شده در "لابراتوار" های سیا و موساد می‌پندارند که کسی هم هست که فریب این نیرنگ را بخورد، خود در پنداری بس ابلهانه بسر می‌برند. از روزی که تلویزیون ایران صحنه‌های تکان دهنده اظهارات پیکره‌ای بی‌رقم، شکنجه شده و درهم شکسته قربانیان این توطئه نشان

جمهوری راه رفته را بسرعت باز می‌گردد

بقیه از صفحه ۶
می‌خواهید بگوئید "حزب توده را سرکوب کردیم؟ فرضاً که خودتان از این "پیروزی" واهی سرمست بمانید، کمان می‌کنید مردم دیگر به شما اعتماد خواهند کرد؟ شما که خود قانون اساسی را پاره کرده‌اید، سنگ را بسته و سنگ را رها کرده‌اید، می‌خواهید هم پیمانان راستگرایتان "ملاحظه مردم" را بکنند؟ تردیدی نیست که آنان چه سرخود شما چنان بلایی خواهند آورد که سر بلند نکنید.

بخود آئید! سمت حرکت بسرعت تغییر یافته است. خط عوض شده است. جمهوری راه رفته را بسرعت باز می‌گردد. تاریخ پر شما خواهد بخشید.

نباید گذاشت اسرار این جنایت حیوانی و هولناک علیه زندانیان توده‌ای به خاک سپرده شود

است. مصاحبه‌گر نامرئی، گاهی تک مضرابی میزد و گاه مستقیماً دستور میداد که حالا در باره فلان مطلب هم بگو! و قربانی بقیه متن را میخواند. تنها از لحن صدای رنج کشیده و بیمارگونه و چهره‌های مسخ شده، قربانیان و دروغهایی که بنا به خواست شکنجه‌گران یگردن میگرفتند، میشد به عبق شرم آور این بازی کثیف حیوانی و ضد انسانی پی برد.

اینک تردیدی نیست که خطر مرگ فوری جان این رفقا را تهدید می‌کند. شکنجه‌گران خواهند کوشید قربانیان خود را برای همیشه خاموش کنند تا پس از پایان یافتن دوران تأثیر

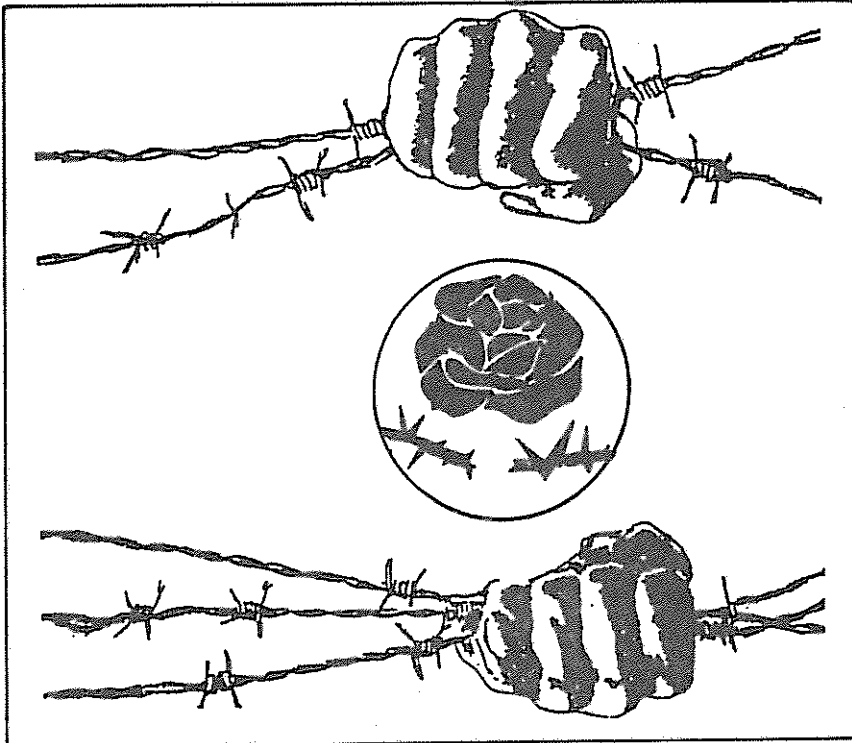
خودپای بند نماند و تنها آن چیز هائیرا تکرار کند که شکنجه‌گر از او میخواهد؟

ما از تمام هموطنانی که امکان دارند خوا- هش می‌کنیم بار دیگر و با دقت نوار باصطلاح مصاحبه با رفیق کیانوزی و آقای محمود اعتماد-زاده را گوش کنند. ما میدانیم که برای یک انسان معمولی اعم از مسلمان و غیر مسلمان، تودهای و غیر تودهای دشوار است شاهد و ناظر جنایت نسبت به هموعان خود باشد. ولی اینکار برای پی بردن به میزان انحطاط اخلاقی و انسانی شکنجه‌گر زندان اوین لازم بنظر میرسد. این برنامه‌ها برخلاف آنچه که ادعا میشود

ایشوزها شوندگان و بینندگان صد اوسیمای جمهوری اسلامی ایران با بهت و حیرت در دنگی شاهد صحنه سازهایی دلخراشی شده‌اند که برای هر انسان شرافتمندی مایه شرمساری و تفسر است. انسان‌های میهن پرست و انتزاع-سیونالیستی را که با وسایل مدرن شکنجه‌های جسمی و روحی رسیده از آمریکا، انگلستان و اسرائیل مسخ کرده‌اند، گویا برای مصاحبه تلویزیونی به استودیو می‌آورند تا "حقایق" را که طی هفتاد سال عمر قادر به درک آنها نبوده‌اند ولی بر اثر چند ماه گذران در شکنجه‌گاه‌های اوین به آنها پی برده‌اند، برای بینندگان و شنودگان بازگو کنند. شکنجه‌گاه‌های اوین در دوران حکومت شاه موافق طرح‌های رسیده از سی-آی-ای، اینتلیجنت سرویس و موساد برای ساواک شاه ساخته شد و اینک مورد استفاده دادستان‌های انقلاب و "حکام شرع" قرار گرفته است. خدمه آنها هم اکثر افسران ساواکی‌های سابق هستند. بخشهایی از ساواک که شاه برای مبارزه علیه حزب توده ایران بوجود آورده بود اینک تقریباً دست نخورده در خدمت گردانندگان تازه زندان اوین درآمده است و اینها آخرین تجربیات مربوط به شکنجه و اعتراف‌گیری و ابزارو داروهای مخصوص به آنرا توسط اهل فریاد ست راست شاه که همچنین به خدمت جمهوری اسلامی درآمده، از سی-آی-ای، اینتلیجنت سرویس و موساد دریافت می-کنند و به کار میگیرند.

مردم از تجارب شخصی خود در زندگانی خوب میدانند که برخلاف نوجوانان بی تجربه، مردان نزدیک به هفتاد ساله‌ای که عمری را با اعتقادات معین گذرانده‌اند و چه بسا در معرض آزمایش‌های سخت قرار گرفته و از عقاید خود دست نکشیده‌اند، ممکن نیست که پس از برخورد "محرمانه" با گردانندگان شکنجه‌گاه‌های اوین ناگهان به "حقایق" پی ببرند و برزندگی گذشته خود خط بطلان بکشند. مگر اینکه با تردیب و وحشتناکی از "منطق" مجموعه ایمن آقایان، از فحش و لگد و مشت و سیلی گرفته تا شلاق و منگنه و گازانیر و درفش و سوزن امانت مایعات داغ و سوزاننده، شکنجه و تجاوز به ناموس عزیزانشان در جلوی چشمان انسان و بالاخره استفاده از مدرنترین وسایل شکنجه و "اعتراف" گیری کشورهای امپریالیستی، برپایه استفاده از داروها و مواد شیمیایی و شنو-الکتربیکی و غیره روبرو شده باشند که میتواند دستگاه عصبی یک انسان را چنان مختل کند که با "لبان خندان" و "قیافه" بظا هر تند رست و آراسته، تمام آن چیزهائیرا که شکنجه‌گر میخواهد تکرار نماید.

واقعا هم چطور باور کردنی است که حتی یکنفر از کسانی که مجموعاً چند صد سال در شکنجه‌گاه‌های ساواک شاه اسیر بوده‌اند به عقاید



شکنجه‌ها و داروهای خوراندنده متدهوترقیق‌شد و اعمال دیگری که هنوز از آنها اطلاع نداریم، نتوانند حقایق وحشتناکی مربوط به این "اعترافات" را در دسترس جهانیان بگذارند.

باید با تمام نیرو برای دفاع از جان زندانیان توده‌ای بپاخاست تا شکنجه‌گران نتوانند راز مسخ انسانهای شریف و میهن پرست را به‌گور بپارند. باید خواست که دکترهای متخصص خارجی امکان یابند شکنجه شدگان را دقیقاً معاینه کنند و نوع شکنجه و داروهای بکار برده شده و مآخذ آنها را تعیین نمایند.

ساواکیهای قدیم و عمال تازه سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی نظیر -حجتیه‌ها که با نقاب "اسلامی" به جنگ مردم ایران آمده‌اند باید بدانند که خیلی زود تر از آنچه که تصورش را کرده‌اند رسوا خواهند شد. این "پیروزی" سرآغاز باز شدن چشم مردمان زحمتکش و شرافتمند ایران برای شناختن دشمنان واقعی خود خواهد بود.

نه مصاحبه است، نه بصورت زنده پخش میشود و نه مبتکر پخش آنها صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است. این "مصاحبه" ها را با تعداد بسیار طولانی و حساب شده، قبلی در "استودیو اوین" تهیه کرده‌اند. برنامه ریزان قبلا وظایف را بطور دقیق میان قربانیان خود تقسیم کرده‌اند و مشخص کرده‌اند هر کس باید در مورد چه مسئله‌ای و در چه حدودی صحبت کند تا مسائل "امنیتی" رعایت شده باشد.

در متنی که بدست نخستین قربانی، آقای اعتمادزاده، داده بودند او خود می‌گوید که من درباره تاریخ جنبش چپ در ایران صحبت خواهم کرد و وقایع مربوط به سالهای پس از انقلاب را دیگران خواهند گفت. البته اگر واقعا صحبت از "مصاحبه" بود نخستین قربانی نمی‌توانست پیش بینی کند که از دو مین قربانی چه خواهند پرسید و او چه پاسخی خواهد داد. این کسی نمیتوانسته بداند که متن هر دو مصاحبه را تهیه کرده و به هنگام ضبط آنها را کنترل می‌کرده

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

شده اند در خطر است. در ایران اینک زمینه برای صدور احکام اعدام در مورد این عده آماده می شود.

این روزنامه ضمن اشاره به نمایش شوم علیه اصطلاح "اقاریر" قربانیان این توطئه، تصریح کرده است که از تمامی شواهد چنین برمی آید که این "اعترافات" تحت فشار شدید جسمی و روحی انجام گرفته است. "عصر ما" با اشاره به موج جدید دستگیری اعضای حزب توده ایران از خوانندگان خود خواسته است تا با مراجعه به سفارت جمهوری اسلامی ایران، اعتراض خود را نسبت به سرکوب حزب توده ایران اعلام دارند. همچنین کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان فدرال آمادگی خود را برای اعزام هیأتی ناظر برای بررسی وضع زندانیان توده ای به نمایندگی جمهوری اسلامی ایران اعلام داشته است، اما پیشنهاد اعزام این هیأت از طرف سفارت ایران رد شده است.

در تاریخ چهارشنبه چهارم ماه مه نیوز ارگان حزب کمونیست آلمان فدرال در صفحه اول خود بیانیه ۶۹ حزب کمونیست و کارگری را رد دفاع از حزب توده ایران بچاپ رسانده است. شماره پنجشنبه پنجم ماه مه این روزنامه نیز خبر ادامه زمینه سازی برای اعدام اعضای حزب توده ایران درج شده است.

در بیانیه اعتراضی حزب کمونیست کارگری سوئد در ارتباط با سرکوب حزب توده ایران آمده است:

"تلاش جهت در هم شکستن جنبش واقعا میهن پرستانه و مترقی ایران یعنی حزب توده ایران با تمام روش های خشن ادامه دارد. اعضای حزب وسیعا دستگیر می شوند. آنها در بازداشتگاه های مخفی نگهداری می شوند. بر اثر شکنجه های روانی و جسمی و ممانعت از مداوا حال عده زیادی بسیار وخیم است."

با چنین روش های بربرمنشانه رژیم سعی در گرفتن باصطلاح "اعتراف" به فعالیت ضد ملی و ضد میهنی می کند. این روش ها بوضوح از "سیا" الهام گرفته شده و از جانب مطبوعات امپریالیستی دامن زده می شود.

در ادامه آمده است:

"این تجاوز به حقوق قانونی و ارزش های انسانی باید شدیداً محکوم گردد. حزب کارگری کمونیست از تمام نیروهای مترقی در کشور مان می خواهد که به رفتاری که علیه اعضای حزب توده ایران می شود اعتراض نموده و می خواهد که اجازه داده شود تا یک هیأت بین المللی متشکل از پزشکان و حقوقدانان از بازداشت شدگان بازدید نموده و اتهام وارد رژیم را بررسی نمایند."

خود سرانه بازداشت و شکنجه شده و طی ماهی طولانی از محیط خارج منزوی نگه داشته شده اند. در این نامه همچنین با اشاره به نمایش فیلم باصطلاح "اقاریر" قربانیان توطئه علیه حزب توده ایران آمده است:

"میلیونها بیننده فرانسوی شاهد اعترافات "ی بودماند که آشکارا تحت تأثیر فشارهای جسمی و روحی بدست آمده اند. بوضوح دیده می شد که آنها تحت تأثیر مقدار زیادی دارو قرار داشته اند تا تضعیف شوند، شخصیت آنها خرد شود و اعترافات به باصطلاح توطئه از آنها گرفته شود."

این فدراسیون کارگری ادامه می دهد:

"زحمتگان بخش بهداشتی فرانسه انزجار خود را از اینگونه شیوه ها اعلام می کنند. شیوه هایی که مخالف حقوق بشر بوده و از نظر جسمی و روحی به این افراد لطمه وارد می آورد. فدراسیون ما که به همراه "ثروت" (کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه) قاطعانه از جهت گیری های ضد امپریالیستی انقلاب ایران و مبارزه آن در راه استقلال کشور پشتیبانی نموده است، این اعمال را شدیداً محکوم می نماید. و اضافه می کند:

"ما از شما می خواهیم که صریحاً دولت خود را در جریان بگذارید تا هیچ یک از این مبین پرستان بقتل نرسند و یک هیأت مرکب از پزشکان و حقوقدانان بشر دوست بتوانند هرچه زودتر با آنها ملاقات کرده و شرایط آنها در زندان را مورد بررسی قرار دهند."

در پایان نامه می افزاید:

"ما در آینده وسیعاً زحمتگان بخش بهداشت و تأمین اجتماعی فرانسه را در جریان پیامد های این نامه قرار داده و از آنها می خواهیم که با دقت تحول اوضاع را دنبال کنند."

استفاده از شیوه های وحشتناک گرفتن اعتراف از طریق شکنجه شدید جسمی و روحی، امری است که در آمریکا، آمریکا لاتین، آفریقای جنوبی و اسرائیل مورد "آزمایش" قرار گرفته است. ما تحت فشار وسیع افکار عمومی، این شیوه های ضد بشری در کمتر نقطه جهان مورد استفاده قرار می گیرد. محافل پزشکی دنیا با انجام مطالعاتی بر روی فیلم باصطلاح "اقاریر" رهبران حزب توده ایران، استفاده از شکنجه های شدید و مقدار زیادی دارو و شیوه های روانی را تأیید کرده اند.

در تاریخ سه شنبه سوم ماه مه، روزنامه عصر ما، ارگان حزب کمونیست آلمان فدرال در صفحه اول خود تحت عنوان "جان رهبران حزب توده ایران را نجات دهید" می نویسد:

"جان اعضای حزب توده ایران که با اتهام واهی جاسوسی برای اتحاد شوروی بازداشت

بقیه از صفحه ۱
مزبور را درج کرده اند.

در فرانسه اتحادیه سندیکایی "ثروت" اعلام کرد:

"جان تعداد زیادی از افراد دمکرات ایرانی، از جمله رهبران حزب توده ایران در ساعات آینده در خطر است. این اتحادیه در بیانیه خود ادامه می دهد:

"در چندین ماه گذشته، این وطن پرستان در زندان بوسیله ژنرال فردوست، عضو قدیمی پلیس سیاسی شاه، ساواک شوم، مورد بازجویی قرار گرفتند. زندگی این زندانیان در خطر است."

اتحادیه "ثروت" با دبیر کل سازمان ملل متحد، رئیس پارلمان اروپا و دبیر اول O.I.T. تماس گرفته است تا با استفاده از موقعیت بین المللی خود کوشش کنند جان این میهن پرستان و زندانیان را نجات دهند. بگزارش روزنامه اومانیتیه، این اتحادیه همچنین از مقامات ایرانی خواسته است حقوق بشر را رعایت کنند. در اعتراض به اقدامات اخیر علیه حزب توده ایران، سازمان جوانان حزب کمونیست فرانسه تلگرافی به سفارت ایران در پاریس فرستاده، نسبت به این اقدامات ابراز نگرانی کرد.

در فرانسه همچنین کمیته حقوقدانان دمکرات "کوششهای را به منظور نجات زندانیان توده ای آغاز کرده است. این کمیته آمادگی خود را برای فرستادن نمایندگانی جهت نظارت بر وضع زندانیان توده ای به نمایندگی ایران در این کشور اعلام نموده و یک کمیسیون متشکل از حقوقدانان را برای دفاع از این زندانیان تشکیل داده است.

مطبوعات فرانسه با درج تمام ویام قسمتهایی از اعلامیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعتراض به نمایش باصطلاح "اقاریر" قربانیان این توطئه شوم، کلیه این "اعترافات" را تحت تأثیر شکنجه های شدید دانستند. همچنین تلویزیون فرانسه با ذکر اینکه نماینده حزب توده ایران در فرانسه اعلام کرده است زندانیان توده ای زیر شکنجه های وحشتناک روحی و جسمی قرار داشته اند، چنین امری را قابل قبول و با توجه به فیلم این باصطلاح "اعترافات" مشهود خواند.

فدراسیون سندیکایی زحمتگان بهداشت و تأمین اجتماعی فرانسه در نامه ای خطاب به سفیر جمهوری اسلامی ایران در پاریس نوشته است:

"ما اعتراض خود را نسبت به گسترش فشار و اختناق در کشور شما اعلام می داریم. دهها نفر از میهن پرستان و دمکراتهای ایرانی

رفیق تقی کی منش: مبارزی استوار و وفادار به آرمانهای میهنی و انقلابی



رفیق تقی کی منش (وسط) در گفتگوی دوستانه با رفیق هرمین گوته، معاون صدر حزب کمونیست آلمان (چپ) و رفیق مارا بوشمن عضو هیئت رئیسه حزب کمونیست آلمان (راست)

تحصیل به کار نیز بپردازد. دوران ابتدائی و متوسطه را در شهرستان رشت گذراند و در سال ۱۳۲۳ به عضویت حزب توده ایران درآمد. رفیق کی منش در شهریور ۱۳۲۳ به دانشکده افسری رفت و شش ماه بعد از دانشکده افسری استعفا کرد و در دانشکده علوم در رشته فیزیک به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۶ مجدداً به دانشکده افسری رفت و در سازمان نظامی حزب توده ایران به فعالیت پرداخت.

رفیق کی منش در سال ۱۳۲۸ از دانشکده افسری فارغ التحصیل شد، در سال ۱۳۴۳، زمانیکه سازمان نظامی حزب توده ایران لو رفت، رفیق کی منش نیز دستگیر شد و در دادگاه تجدید نظر نظامی به اعدام محکوم گردید، ولی در اثر فشار افکار عمومی مردم ایران و جهان محکومیت او و ۴۷ نفر از یارانش به زندان تبدیل گردید. رفیق کی منش بخاطر وفاداری به آرمان انقلابی و میهنی خود و استواری در دفاع از حزب توده ایران، در حدود ۲۵ سال در زندانهای قصر تهران (۱۳ سال)، در زندان برازجان (۶ سال و چند ماه در دونوبت) و بقیه مدت را، که ۶ سال بود، در زندان عادل آباد شیراز در شرایط سخت و دشوار گذراند.

وی در آستانه انقلاب، هنگام اوج جنبش انقلابی مردم ایران در سوم آبان سال ۱۳۵۷ از زندان آزاد گردید و بلافاصله بعد از آزادی به فعالیت خود در حزب توده ایران ادامه داد.

بازداشت او و دیگر رهبران حزب توده ایران با اتهام زنی و پاپوشه دوزی علیه آنان از جمله اقدامات ضد انسانی، ضد اخلاقی و ضد قانونی است.

حزب توده ایران همچنان علیهمه امپریالیسم و اعمال داخلی آن می رزمند هرچند که داشتن این عقاید "جرم" تلقی شود.

بست و خونخوار در افتاد. رفیق کی منش را بازداشت کردند و بردند. اما آیا میتوان آفتاب را با دستمالی پوشاند؟ آیا میتوان روشنائی روز را با مستی گل ولای از میان برداشت؟ آیا زرخیردان دلار میتوانند آزاد مردان را از پای در آورند؟

نه، هرگز نه. آنها در برابر ایستادگی و مردانگی چنین آزاد مردانی زبون شدند. زندگی نامه رفیق کی منش خود گویای این حقایق است.

رفیق تقی کی منش، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران در یکی از خانوادها های فقیر در محله سرخ بنده رشت در سال ۱۳۰۴ متولد شد. وی مادر خود را در ۲ سالگی و پدرش را در ۱۳ سالگی از دست داد و به علت فقر مادی در ۱۰ سالگی به مدرسه رفت و از سن ۷ سالگی به یادونی در مغازه سلمانی، نانوائی و کفاشی پرداخت و مجبور بود بخاطر جبران مخارج خود و کمک به خانواده اش در جریسان

رفیق کی منش نیز یکی دیگر از رفقای رهبری حزب توده ایران است که در زندانهای جمهوری اسلامی ایران بسر می برد. او یکی از رفقای سازمان نظامی حزب توده ایران بود که بیش از ۴۰ سال علیه امپریالیسم و برای نجات زحمتکشان ایران می رزمند.

ایمان و استواری یولادین وی به معتقدات و مشی حزبش همانند دیگر همزمانش کم نظیر و افتخار آفرین است. او را نیز با همان اتهام زنی های زشت و بی پایه دستگیر کرده اند. به اتهام واهی "جاسوسی"!!!

اما کیست که به میهن پرستی رفقای که سالیان درازی از عمر خویش را در زندان و حبس شکنجه و تبعید بسر برد هاند شک داشته باشد، بجز دشمنان و ابلهان.

رفیق تقی کی منش یکی دیگر از جانبازانی است که برای خدمت به مردم از هیچ رنج و هراسی نهراسید و از هیچ گذشت و فداکاری روگردان نبود و با سینه کشاده با دشمنی

قهرمان پیمرگ

شعر رسیده از سوئد

حزب من!

تو جاودانی

تو ضرورت زمانی

حزب من!

بوجود آمدنت به اراده کسان نبود

که ناکسان اراده براند اختت را کرده اند

وجودت ضرورت زمان بود

وجودت ضرورت زمان است

وجودت ضرورت زمان خواهد بود

شب خون راستگرایان

نه نخستین است و نه واپسین

بسا دشمنان در تاریخ چهل و چند ساله تو

با تمام توان در وزخی خود کوشیدند

زورمندان با زور خود

زرمندان با زر خود

جانباان با چنابیت خود

جلادان با دشنه خود

خائنان با خیانت خود

و زندانبانان بازندان های قرون وسطائی خود

کوشیدند جای تو را در پهنه تبرد کار و سرمایه

خالی گذارند

غافل از آنکه حزب من

ضرورت را کجا توان با زور و زر از میان برد؟

امروز نیز

راستگرا

با این شاه کار

تنها تیشه بر ریشه خویش میزنند

چرا که

صخره پایداری و پایمردی تو را

حزب طراز نین طبقه کارگر ایران!

که

نامت با کله پراچ توده مسزین است

و تار و پود وجودت سرشار از عشق به توده هاست

هیچ چیز کارا نخواهد بود

و درفش کابوایی

درفش پیکار طبقه کارگر ایران را

جائی برای گلگون تر شدن نیست

این درفش سیراب خون عزیزان خویش است.

و از این پس

خون این قافله شهیدان

بسان سیلی خروشان

کاخ ستم سرمایه داران و زمین داران

و امپریالیسم و ارتجاع و ایادیش را

در خود غرقه خواهد کرد.

آری

حزب من

تو جاودانی

تو ضرورت زمانی

جمهوری راه رفته را بسرعت باز می گردد

بقیه از صفحه ۱

بصورت اظهارات پیکرهایی در هم شکسته و شکنجه شده در اتاقهایی خالی و دهشتناک و بازدا - شتگاههای مخفی به نمایش گذاشتند و از زبان این سایه‌های بی‌رقق، جعلیات ساواک و سیا را بخورد مردم دادند. شیوه‌های شکنجه جسمی و روانی را که در "آزمایشگاههای" سیا و موساد امتحان شده‌اند، بنابر بسته‌اند تا در دشمنانه‌ترین توطئه علیه انقلاب و حزب توده، ایران را به اجرا بگذارند. هفته‌ها و ماه‌ها این افراد میهن‌دوست و بیگانه را در فراموشخانه‌ها شکنجه دادند تا بتوانند از زیان‌ناشان این باصطلاح "اعترافات" را بنمایش بگذارند. و اینک، تا باصطلاح "منظله" اعلام کردن حزب توده، ایران، این توطئه باوج خود رسیده است.

مارکس می‌گوید حوادث و شخصیت‌های تاریخی د و بار ظهور می‌کنند: یک بار بصورت تراژدی و بار دوم بصورت کمدی مسخره.

بار اول، منوچهر اقبال، نوکر دربار پهلوی و خدمتکار سرسپرده امپریالیسم، در سال ۱۳۲۷ حزب توده، ایران را "غیر قانونی" اعلام کرد. این بار، این عمل توسط ارگانهای جمهوری انجام می‌گیرد. اما در هر دو بار یک سناریو تکرار می‌شود: صحنه سازی‌های از پیش ساخته جو سازی و اوباشی‌گری، و سپس یک اعلامیه مبنی بر "انحلال" حزب طبقه کارگر، حزب زحمتکشان. هدف در هر حال یکی است: خفه کردن هرگونه صدای ترقیخواهی در کشور، منتهی این بار عوامل "سیا" با استفاده از تجربیات ضد انقلابی خویش با برنامه منسجم تری عمل کرده‌اند و قبایله سایر عناصر مردمی و نیروهای ضد امپریالیست برجست "توده‌های" زده‌اند تا بعداً بتوانند آنها را هم خفه کنند.

سراسیمه طی شده، از فدا کردن حقیقت بهای مصلحت‌گفته بینانه، از ادعای دستگیری چند "جاسوس" و احترام بقانونیت از حزب، از نادیده گرفتن هشدار حزب توده، ایران در رابطه با این عمل فرصت طلبانه، از درس نگرفتن از تاریخ که در آن دروغ و فریب هیچ‌گاه فرجام نیکی نداشته است، تا بکار گرفتن شکنجه و بازهم نادیده گرفتن ابراز نگرانی حزب توده، ایران که "زندانیان توده‌های، این مدافعین راستین و جانباز انقلاب را در زندانها شکنجه می‌دهند" و بالاخره اجرای آخرین پرده، این نمایش بکارگردانی "سیا"، اینک ما را بیاد درس‌های بزرگ تاریخ می‌اندازد.

فضا، همان فضایی است که سرکوب ۲۸ مرداد در آن انجام گرفت. اعلامیه‌های ارگانهای جمهوری رنگ و بوی اعلامیه‌های همان زمان را دارند. اینک باریک در کشور ما دفاع از حقوق زحمتکشان رسماً "جرمی" است که مجازات آن زندان و شکنجه و اعدام است. در ۲۸ مرداد هم اوباش و اراذل شعبان بی‌منه به خیابانها ریختند تا نوع آمریکایی "قیام ملی" را به نمایش بگذارند. امروزها هم حزب طبقه کارگر آماج

اصلی حلات یود. اما محمد رضا و جلادانش از این غافل بودند که خلق، رهزی بها خواهد خواست و آنها را به زیاله دان تاریخ خواهد سپرد. سرکوبگران امروز نیز از این درس بزرگ تاریخ بی‌خبرند. آنها بی‌خبرند که حزب توده ایران قانونیت و مشروعیت خود را از میان چهل سال رنج و خون، چهل سال پیکار با امپریالیسم و ارتجاع و هزاران سال زندان و شکنجه مهاجرت، از میان صدها شهید و زندانی و تبعیدی بدست آورده است. با یک اعلامیه‌گذاری نمی‌توان این قانونیت را نقض کرد. نه نوکران دربار و امپریالیسم توانستند حزب توده، ایران را نابود کنند و نه کاریکاتوره‌های مسخره امروزی آنها خواهند توانست. مردم ایران و تاریخ قضاوت خواهند کرد.

اینک، با تکرار نمایش "شاهانه" ممنوعیت حزب، برآستی جای شک باقی نمی‌ماند که جمهوری همان راهی را در پیش گرفته است که ساده‌اتها و نمیری‌ها رفتند بهمان سرعتی که راه سرکوب پیگیرترین مدافعان انقلاب را طی می‌کنند. دستاوردهای انقلاب را بر باد می‌دهند. عوامل ساواک و سیا و "حجتیه"، راست - گرایان افراطی، روحانیون محافظه کار و قشربین همه دست به دست هم داده‌اند و نسخه‌های راکه "سیا" با جدیدترین شیوه‌های شکنجه و "دارو"های خود پیچیده، با زور قوی از "شریعت" بخورد مردم می‌دهند.

علیرغم هشدار حزب توده، ایران که "یک حکومت مردمی نمی‌تواند با شیوه‌های غیر مردمی حکومت کند" هدف را تابع وسیله کرد دست‌شاه و مغز شاه را بکار گرفتند تا هدفی تنگ نظرانه را دنبال کنند، و بدین ترتیب در ورطه شیوه‌های ضد مردمی حکومت فرو غلتیدند. بنابر گرفتن دست‌شاه و مغز شاه به دنبال کردن هدف‌شاه و در پیش گرفتن راه‌شاه انجامید. عوامل سیا و ساواک که خود پس از انقلاب، "بخدمت جمهوری درآمدند"، اینک جمهوری را به خدمت اهداف خود گرفته‌اند.

"فوائد سیاسی" این هجوم گسترده به صفوف انقلاب برای روحانیت محافظه کار و راست گرایان افراطی روشن است. با این اعمال به امپریالیسم آمریکا نشان می‌دهند که چیزی از شاه کم ندارند و "لیاقت" سرکوب انقلابیون را دارند. آنها بدین ترتیب سیاست خود را بطور تمام و کمال به جمهوری تحمیل و مسخ انقلاب را بر مرحله نهایی خود رسانده‌اند. آنها "اطمینان خاطر" لازم را با سرکوبی حزب زحمتکشان به بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران داده‌اند.

اما آنها نیکه "بازی خوردند" و با افتادن در دام امپریالیسم، بدین سراسیمه فرو غلتیدند، هیچ "فایده" سیاسی "از این عمل نخواهند برد. آنها طناب دار بدست خود بگردن نهادند. آینده آنها، چیزی

جز نابودی و یا چاکری در درگاه امپریالیسم چون نمیری‌ها و سادات‌ها نیست. تاریخ جنبش‌های ضد امپریالیستی و مردمی نشان می‌دهد که راه "آرام کردن دشمنان از طریق سرکوب متحدین" بیراهه‌های پیش نیست. یک لحظه بیاندیشید که عوامل آمریکا برای چه شما همراهند؟ آیا گمان می‌کنید که شما آنها را فریب داده‌اید؟! برای آمریکا این یا آن شخصیت این یا آن حزب و گروه به تنهایی مطرح نیست. آمریکا ایران را می‌خواهد، و با هر کس هم‌گام هدش استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی باشد، ذره‌ای سرسازش ندارد.

روی سخن ما با مسلمانان مبارز و انقلابی است. آنها بی که هنوز به آرمانهای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب شکوهمند ایران وفا - دارند. آنها کف می‌خواهند کشور ما دوباره جو - لانگاه انحصارات امپریالیستی گردد. آنها که می‌دانند عاقبت راهی که جمهوری اکنون در پیش گرفته است مصر و سودان و پاکستان است. حزب توده، ایران غم خود را ندارد. حزب توده ایران ریشه در خواسته‌ها و آرزوهای مردم زحمتکش ایران دارد. اگر صد بار هم تک تک اعضا و هواداران حزب را سرکوب کنند حزب دوباره سر بلند خواهد کرد. آنچه در سراسیمه شکست افتاده است انقلاب است. بیائید ننگ آریم دستاوردهای این همه خون و رنج و مبارزه از دست رود. بیائید دست بدست هم دهیم و از انقلاب دفاع کنیم. بیائید ننگ آریم به اسم "توده‌های" هر کس که از حقوق زحمتکشان دفاع می‌کند سرکوب کنند.

روی سخن ما با مسئولین اداره حکومت جمهوری اسلامی ایران نیز هست. شما سابقه "بازی خوردن" از عوامل امپریالیسم دارید. شما خود بارها اعتراف کرده‌اید که در موارد مختلف فریب آمریکا و عواملش را خوردید. ننگ آریم در تاریخ تا ابد از شما به بدی یاد کنند. شما بیاید که در برابر تاریخ و مردم مسئولید. به پیرامون خود نگاه کنید ببینید چه جنایتی در حق انقلاب انجام می‌گیرد. آیا این است آن جمهوری که ب مردم وعده دادید؟ چه چیز انقلاب را می‌خواهید صادر کنید؟ جدیدترین شیوه‌های شکنجه را؟! دروغ و فریب را؟! شما چگونه می‌خواهید از این پس نزد نیروهای ضد امپریالیست جهان سر بلند کنید؟ آیا با این اعمال، آنها شما را در جرگه خود خواهند پذیرفت؟ و یا اینکه همانطور که اکنون می‌بینیم جای شما در میان سپاه ترین و ارتجاعی ترین دیکتاتوری‌های وابسته به آمریکا خواهد بود؟ چگونه می‌خواهید "امید مستضعفان جهان باشید"؟ با سرکوب هر کس که از حقوق زحمتکشان دفاع می‌کند؟ به مردم خود مان چه می‌خواهید بگوئید؟ به کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان که از شما کار، زمین نان و مسکن می‌خواهند

بقیه در صفحه ۲

بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

اهانت آمیز نسبت به هر آنچه مردمی و اخلاقی است می شمارد و همانطور که در بیانیه اول ماه مه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران گفته شده است از مقامات جمهوری اسلامی ایران نمی طلبد که هر چه زود تر اجازه دهند هیأتی ناظر بین طرف بین المللی مرکب از حقوقدانان و پزشکان متخصص با متهمین از نزدیک دیدن کنند تا چگونگی دریافت این "اعترافات" برای مردم ایران و همه جهان روشن شود.

تاریخ مبارزات قهرمانانه حزب توده ایران، حزب زحمتکشان ایران، حزب شهدا، حزبی که ده هزار سال زندان بدوش میگذرد نمیتوان با شستی اراجیف که عمال بزرگ سرمایه داران و کلان زمین داران سیاست هدایت دستگاههای جاسوسی امپریالیستی سرهم بندی کرده اند و بزور شلاق و شکنجه های برون وسطائی و وسائل دیگر بدهان قربانیان جنایت خود گذاشته اند لکه دار کرد - ساواک - شاه و تجربه چهل ساله دستگاههای امنیتی و جاسوسی امپریالیستی اینرا خوب میدانند و از اینرو با آخرین و مدرن ترین سلاحهای جهنمی ضد انسانی خود علیه آن بیدان آمده اند.

هیچگاه و در هیچ دوران حزب توده ایران بعنوان حزبی که حافظ منافع ملی و پاسدار استقلال و تمامیت ارضی و حق حاکمیت کشور بوده است نمیتوانسته است اطلاعاتی از آن قبیل که شکنجه گران به قربانیان بی پناه خود دیکتاتوردهنده جمع آوری و در اختیار کسی،

سازمان یا دستگاهی خارجی قرار دهد. حزب توده ایران در هیچیک از مقامات مهم لشکری و کشوری نفوذی نداشته است که دسترس به اسناد و مدارکی از نوع انطائی مقامات شکنجه گر داشته باشد.

حزب توده ایران سازمان مخفی ادعائی وحشتناکی را که مقامات مربوطه مایلند بدونین خطر جدی برای حاکمیت طبقه حاکمه ایران معرفی کنند نداشته است.

ادعای دیکته شده از طرف شکنجه گران، به قربانیان جنایت خود مبنی بر جمع آوری سلاح توسط گروههای کوچک توده های در انقلاب و حفظ و نگهداری این سلاحها برای سرنگونی رژیم دروغ مسخرهای پیش نیست، بخصوص که دستور صریح حزب برای تحویل سلاحهای موجود احتمالی به همه افراد حزبی ابلاغ شده بود و اجرا گردید.

فعالیت حزب در تمام دوران پس از انقلاب عینی و قانونی بوده است که با موفقت مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران، انجام میشده است. حزب توده ایران سیاست روشنی را در رابطه با حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اتحاد و انتقاد در پیش گرفته، به قانون اساسی رأی مثبت داد و از صریح ترین نیروها برای اجرای آن بوده و می باشد.

حزب توده ایران نه تنها خنجر از پشت برای ضربه زدن آماده نکرده است بلکه بارها خنجرهای در حال فرود آمدن بر پیکر

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را متوقف و خنثی کرده است. حال چگونه میتوان این ادعای پذیرفت که حزب توده ایران خیال براندازی جمهوری اسلامی را در سر می پروراند است؟ ما معتقدیم که خود این روش پاسداری جدی از انقلاب، علت اصلی این کینه تفتنی ناپذیر نسبت به حزب طبقه کارگر ایران است. حزب ما پاره ها و پارها اعلام کرده و باز هم اعلام میکند که روابط عادی و معمول بین المللی بین حزب توده ایران و همه سازمانها و احزاب مترقی جهان را نمیتوان بنام دیگری نامید. ما با همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست و استقلال طلب در جهان همبستگی داشته و داریم نیروهای راست، عوامل نفوذی امپریالیسم و ضد انقلاب در حاکمیت و نهاد های کشوری که مخصوصاً ۱/۵ سال اخیر موقعیت خود را مستحکم تر کرده اند این خبیثه شب پازی انحراف افکار عمومی داخل و خارج ایران را برای خزش تدریجی خود بسوی حاکمیت تام و تمام، لازم دیده و با اجرا گذاشته اند.

افسانه هدایت سیاست حزب از طرف مسکو و مداخله احزاب دیگر در امور حزب توده ایران - هیچ "افتخار" جدیدی بسرای "مبتکران" آن در جمهوری اسلامی ایران و گردانندگان این خبیثه شب پازی بیار نیامورده. این "افتخار" متعلق به اسلاف شکنجه گران امروزی - هیتر و موسولینی و امثال آنهاست. وجوه تشابه سیاستهای حزب ما با احزاب و سازمانهای برادر بمعنای وابستگی و دنباله روی حزب نبوده و نیست. ما نمی توانیم بر اثبات باصطلاح استقلال خود با سیاست صلح و دوستی کشورهای سوسیالیستی و احزاب برادر با کمک برادران آنها به جنبش های آزاد بیخشی ملی و از جمله حمایت آنها از انقلاب میهن مخالفت کنیم، تا امپریالیسم جهانی و عمال داخلی آن اجازه مستقل نامیدن ما را صادر کنند.

کمیته برون مرزی حزب توده ایران هشتاد و یک سال قبل حزب توده ایران قویا تکرار کرده است، بار دیگر تکرار میکند، که انقلاب را خطر نابودی جدی تهدید میکند و "کودتای ۲۸ مرداد" دوم امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی در ایران - میهن ستمدیده ما هم اکنون در حال تدارک نهائی است.

هم میهن گرامی، مردم شرافتمند جهان! آمادگی کامل شما برای دفاع از دست آوردهای انقلاب از جمله آزاد بیهای سیاسی و اقتصادی يك پارچه شما بهمه اقدامات غیر قانونی جمهوری اسلامی ایران، تنها میتواند میهن و مردم ما را از سقوط حتمی در ورطه استبداد قرون وسطائی و اسارت برهساند.

کمیته برون مرزی حزب توده ایران

۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۲

۴ مه ۱۹۸۳

آیا سیاست داخلی و خارجی حزب جمهوری اسلامی ...

بقیه از صفحه ۱۸

آن سرمایه داران فربه شده تجاری و حامیان مکلای محتم آنها، که يك روز در گذار انقلاب قرار داشتند و حتی علیه بنی صدر "موضعگیری رسمی" کردند و اکنون با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که يك روز به خاطر "صلحت زمان" با آن موافقت کردند، مخالفت میکنند، علیه اصلاحات بنیادی انقلابی هستند، علیه "بازرگانی خارجی ملی" رای می دهند، علیه اصلاحات ارضی انقلابی موضع گیری می کنند، مخالف آنند که دست پینه بسته دهقانان زمین خود را شخم بزنند، علیه آنند که کارگران خود قانون کار انقلابی را تنظیم کنند، آنها که سرنوشت کارگران را بدست سرمایه دار - زادگان می سپارند، آنها که راه بازگشت فراریان ضد انقلابی را باز میکنند، آن اساتید حوزه "که آیت الله موسوی اردبیلی را به "بحسث" با خود می کشاند و او را زیر فشار قرار می دهند تا مال این بنده خداها را "پس بگیرند، آنهاست که حجت الاسلام رفسنجانی را زیر فشار قرار میدهند و میگویند نباید "بحث درباره عدالت اجتماعی در نماز جمعه انجام شود"، آنها که بقسول حجت الاسلام کروی "بنام اسلام از میلیاردرها دفاع میکنند"، اینها هستند آن نیروهای کسه همانند "بنی قریظه" بیمان شکسته اند و شایسته

مجازات اند.

اما ما می بینیم، که نیروهای راستگرا و حامیان آنها در دست علیه کسانی دیگر شمشیر کشید هاند و "موضعگیری" علیه آنهاست را برطبق "صلحت زمان" سازمان می دهند، که از این اهداف انقلاب دفاع کرده اند و می کنند.

رفیق نورالدین کیانوری و یاران در بندش و حزب توده ایران، که از روز اول پشتیبانی خود را از انقلاب شکوهمند، از خط امام خینی، از مسلمانان، مبارز و اسلام انقلابی اعلام کردند و اکنون هم از آن دفاع میکنند، همچنان بر مواضع خود پایدارند و به بیمان خود وفادار! اینان مورد هجوم واقع می شوند و به زندان افکنده میشوند، نه راست - گرایان ضد قانون اساسی، ضد عدالت اجتماعی ضد اسلام انقلابی.

این "جمهوری اسلامی" است، که به زندانیان این فرزندان شرافتمند و فدآکار میهن انقلابی تبدیل شده است و قصد محاکمه و سرکوب این "سرداران شکست ناپذیر" را دارد! آری این "گدازه های آتشفشان" با پایمردی خود بر سر مواضع اصولی، انقلابی و علمی خویش نشان میدهند، که "فرصت طلب" نبوده و نیستند!

بایای چوبین دروغهائی که باشکنجه در دهان قربانیان خود می گذارید، به راه دور نخواهید رفت

نقی مارکسیسم در زیر شکنجه های دستگاه تفتیش عقاید "اسلامی" هماتقدر ارزش دارد که نقی چرخش کرده زمین توسط گالبله در زیر شکنجه های دستگاه تفتیش عقاید "مسیحی"

جمعه نهم اردیبهشت رادیوی تهران در اخبار ساعت ۱۴ خود اطلاعاتی نیمه فارسی را که در آن گفته شده بود "پس از دستگیری تعدادی از اعضای کمیته مرکزی حزب توده که با صراحت به جاسوسی و خیانت و توطئه براندازی اعتراف کرده اند ۰۰۰ اینک تعداد زیادی از ایادی خائن و جاسوس و مهره های این حزب دستگیر شدند ۰ از لانه های دستگیر شدگان مقدار زیادی اسلحه و مهمات، وسایل چاپ و اسناد و مدارک جعلی بدست آمد ۰"

دوشنبه دوازدهم اردیبهشت فرمانده سپاه پاسداران با امام خمینی دیدار کرد و گزارش مفصلی از دستگیری اعضای حزب توده ایران به او داد و در این زمینه رهنمودهایی دریافت کرد ۰ در گفتگو با خبرنگار رادیو فرمانده سپاه پاسداران پس از اعتراف به اینکه دو ماه پس از دستگیری (و ظاهرا پس از رسیدن دستگیر شکنجه) تازه اعترافات آغاز گردیده است گفت اینک تادریهای درجه ۱ و درجه ۲ حزب که در باره آنها اعترافاتی شده است دستگیر میشوند ۰ در پایان او از اعضای " این حزب منحل و کتیف " خواست که هر جا هستند خودشان را به مراکز سپاه پاسداران معرفی کنند ۰"

بازداشت شدگان را زیر شکنجه و امیدارند " اعتراف " کنند که ما جاسوسیم، اسلحه داشته ایم، خیانت کردیم، براندازی داشتیم را به بیگانگان دادیم قصد براندازی داشتیم والی آخر ۰ و آنگاه برخلاف آنچه که همه مردم ایران شاهد بوده اند و فداکاریهای اعضای حزب را برای حفظ دستاوردهای انقلاب و دفاع از وطن بچشم دیده اند، تمام اعضای حزب را متهم به اتهامات فوقی می کنند و بدون استثنا همه را به زندان دعوت می نمایند!

آری، سنانیکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را مسخره می کنند و آنرا غیر شرعی میدانند کسانیکه با خیانت به توده های زحمتکش خلق و خدمت به دلال سرمایه داران و بزرگ مالکان انقلاب را عملا برانداخته اند حزب توده ایران را متهم به توطئه براندازی می کنند!

بیشتری و رباناری قسریها و راستگرایان دیگر تمام مرزهای اخلاقی و انسانی را پشت سر گذاشته است ۰ کمر محرومان و " کوخ نشینان " دارد زیر بار بی عدالتی اجتماعی خرد میشود ولی از صبح تا غروب وعده های توخالی تحویل میگیرند ۰ تمام قوانین بنیادی و منطبق بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مانند ملی کردن بازرگانی خارجی، تقسیم اراضی مزرعی و دیگر قوانین را که احساس کمترین دفاع از حقوق زحمتکشان در آنها مشاهده کرد هاند متوقف

ساخته و در عوض به غارتگران اجتماعی در همه جهات بال و پر می دهند و تنها از آنان تقاضا می کنند که از احسان به محرومان و پرداخت خسوس و زکات مال دزدی برای دستگیری از قسرا دریغ نفرمایند!

کارگران و دهقانان و همه زحمتکشان شهری و روستائی نه به آموزش و درمان دسترسی دارند و نه به مسکن یا گریه مناسب و بهداشتی ۰ قانون کاری مترقی که از آنان حمایت کند وجود ندارد ۰ بیابارند و یا اگر کاری بیابند دستمزدشان حقیرانه است و قادر به مقابله با تورم و گرانی گریه شکن نیستند ۰ اما هر روز، کسانیکه مانعند معاویه تنها قرآن بر سر نیزه کرده اند تا مقاصد گریه خود را ببوسانند یک تصمیم ضد کارگری و ضد خلقی تحویلشان میدهند که بسا

آیاتی از قرآن تزئین شده و یک بسمه تعالی چاشنی آن گردیده است تا جای شکی در اصالت " اسلامی " آنها باقی نماند ۰

از کارگران و دهقانان مرتب " شهادت و ایثار " و دادن جان در جبهه و فداکاری و گرسنگی کشیدن در پشت جبهه را می طلبند، اما در عوض هیچ چیز به آنان نداد هاند و نمیخواهند بدهند زیرا گویا در فقه اسلامی مطلبی در مورد کمک به زحمتکشان نیافته اند ۰

اما قسره های مرفه که از راههای " شرعی " مجاز و سنتی چنان غارت می کنند و پس از دزدی چند ملیونی بعنوان نازشست توسط حزب جمهوری اسلامی به مجلس راه می یابند، هم شاهانه زندگی می کنند و هم بهنگام خروج از کشور ارز می گیرند و با خود جواهر میبرند و یک مو هم از سر خود و فرزندان نشان در جبهه و پشت جبهه نمی افتد ۰ آیا مفهوم کمک به " محرومان " و دفاع از " کسوخ نشینان " همین است که اکنون مشاهده می کنیم؟ آیا امام اول علی ابن ابیطالب و دیگر " اسطوره " هائی که مدعی پیروی از آنان هستید این چنین عمل می کرده اند ۰

از همه زشت تر اینکه آقایان تلاش می کنند قانون شکنی و ظلم و جور نسبت به خلق را بنام " امت ایثار گرو شهید پرور " انجام دهند، اما بی جهت مردم ما را به این ناجوانمردیها متهم می کنند ۰ این دروغها و زذالت ها با خوبی زحمتکشان نمی خوانند ۰ دزدی و غارتگری و عهد شکنی از مختصات طبقات استعمارگر و غارتگر در همه زمانها و در همه جوامع طبقاتی است، چه در لباس شاهنشاهی یا خاندن چه در کسوت اسلام آمریکایی ۰ مردمان زحمتکش دروغگو و عهد شکن نیستند ۰ کشف اسلحه و مهمات در لانه نه در خانه توده های با و اتهام توطئه برای براندازی از آن دروغهای شاخدار و ناشیانه است ۰ مگر چند ماه از دستگیری غیر قانونی و تحریک

آمیز رهبران حزب نگذشته است؟ مگر در این مدت کوچکترین گامی در راه مبارزه غیر سیاسی از توده هایبا دیده اید؟ این دروغ های نفرت انگیز را برای چه اختراع می کنید؟ آیا جز اینست که دارای منطقی ضعیف و ضد مردمی هستید و تنها راه نجات را در شکنجه کردن دگراندیشان دست خلق جستجو می نماید؟ ما البته به تجربه یافته ایم که در فرهنگ و آزه های " ریگان آمریکائی " کلمات آزادی و صلح حقوق بشر معانی وارونه ای دارد ۰ حالا مشاهده می کنیم که در " اسلام آمریکائی " هم خیلی از ضد ارزش " در لفافه ارزشها عرضه میشود و شکنجه های وحشیانه " رأفت اسلامی " نام میگردد ۰

نحست گفتند چند تأمرکا - ک - ب را دستگیر کرده ایم و کاری به حزب توده نداریم، فقط باید یک کمیته مرکزی تازه به وزارت کشور معرفی کنند ولی حالا که اعضای " این حزب منحل و کتیف " را به زندان دعوت می کنند! فرد است که آشکارا هواداری از عقاید علمی و مترقی را اصولا محاربه با " خدا و رسول خدا و فساد در روی زمین " اعلام کنند و هم دگراندیش را بعنوان مفسد - فی الارض بدست جلادان نادانی بسپارند که بگفته یک نویسنده خارجی باور کرده اند که داستان داستان حقیقت است و همه روز ترازدی می آفرینند ۰

حزب توده ایران بارها اعلام کرده و در عمل ثابت نموده که برخلاف قسریها و راستگرایان به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وفادار است و در چارچوب آن برای تحقق خواسته های اولیه انقلاب: استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه سیاسی میکند ۰ ما با زبان و قلم و کاغذ کار داریم ۰ شما اینها را خوب می دانید ترستان هم درست از همین واقعیت است ۰ شما از زبان و قلم و اندیشه ما میترسید ۰ از زبان ما که نزدیک به فهم کارگران و دهقانان و بازگو کننده آمال و آرزوهایشان است میترسید خوب میدانید که کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان، بزودی، در اثر تجربه روزانه خود دوست را از دشمن تشخیص خواهند داد و چنین پند اشتباهی که با نابود کردن دوستان واقعی خلق حکومت بهره کشی و غارتگری سرمایه داران، زمین داران را جاویدان خواهید ساخت ما برای مبارزه با قسریها و مسلمان نگاهما نیازی به اسلحه و مهمات نداریم زیرا آنها خودشان از نظر تاریخی محکوم پسروال میزند هاند و باین جهت است که جنگ اعلام کرده اند و میخواهند همه خردمندان را نابود کنند ۰

مصاحبه رفیق علی خاوری عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران با روزنامه "ریستوس پاستیس" چاپ یونان



داشت رفقای توده‌های ما جشن گرفته‌اند. بگذار سخنان سحران و حکیم بزرگ ایران سعدی را که ۸۰۰ سال پیش توصیه می‌کنند بخاطر بیاورند که میگفت:

"حذر کن ز آنچه دشمن گوید آن کن
کس بهر زانو زنی دست تغابن
گرت راهی نماید راست چون تیر
از آن برگردد و راه دست چپ گردد"

مبارزه کرده باشد، نشان بد هید، که سرمایه داری امپریالیستی و ارتجاع این برجسب را به او نزده باشد. تعدادی از قهرمانان ملی ما، کمونیست-ی بنام ایران اعضاء قهرمان حزب با این اتهام به جوخه آتش سپرده شدند. جواب این قهرمانان جاویدان باین اتهام آخرین کلماتی بود که با صدای گلوله دشمنان ایران و مردم زحمتکش، آن در هم آمیخت و در کوه و دشت وطن غمزه ماطنین می‌انداخت: "زنده باد ایران"، "زنده باد حزب توده ایران"، "زنده باد سوسیالیسم" و نظیر اینها. شرم آور است که امروز هم نسبت به حزب ارانی، روزیه، وارطان ۰۰۰ اتهامات رنگ باخته امپریالیسم ساخته تکرار شود. مخالفان و دشمنان حزب توده ایران که جان سختی و استواری آنرا در راه تأمین استقلال، آزادی و عدالت واقعی اجتماعی دیدند و می‌بینند این بار هم با این اسلحه گهنه علیه این حزب قهرمان که هزاران شهید داده است و بیش از ۱۰ هزار سال زندان بدوش میکشد، بعد از آمدن می‌خواهم از صمیم قلب و با اعتقاد تمام بگویم که ضربه به حزب توده ایران، نونک خنجر زهر آگینی است که به قلب انقلاب ایران فرو میرود. بگذار مسئولان امروز جمهوری اسلامی ایران هزار بار گز کنند و یک بار پاره کنند و همه جوانب این کار را بسنجند. حزب ما دوست انقلاب ایران و پشت صادق جمهوری اسلامی ایران بوده و هست. این واقعیتی تمام عیار است، تعارضی در این مورد نبوده و نیست. امپریالیسم آمریکا، همه سرمایه‌داری امپریالیستی، سلطنت طلبها، همه دشمنان رنگارنگ انقلاب ایران پس از باز-

خبرنگار روزنامه "ریستوس پاستیس" چاپ یونان مصاحبه‌ای با رفیق علی خاوری عضو هیئت سیاسی حزب توده ایران بعمل آورده است که ذیلا خلاصه آن درج میشود.

سؤال: بازداشت نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و عده‌های از افراد رهبری حزب توده ایران و تضيیقات نسبت باین حزب را چگونه ارزیابی میکنید؟

جواب: درست در آستانه چهارمین سالگرد انقلاب با ضد امپریالیستی و مردمی ایران، تلاش عناصر و محافل ضد انقلاب و طرفداران مالکیت بزرگ ارضی و سرمایه داری بزرگ - این پایگاه اجتماعی امپریالیسم، و تلاش امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا که به چوچه نمیتواند تن بسه شکست عظیم خود در ایران بدهد و همواره به بهشت گم شده و چراگاه "پر برکت" خود می‌نگرد، فشارها و محدودیت‌های دائمی علیه فعالیت قانونی حزب توده ایران جای خود را به ضربه جنون آمیز نیروهای راست و عوام‌پس نفوذی در حاکمیت داد. عده کثیری از اعضاء و افراد رهبری حزب توده ایران، منجمله رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب به اتهام واهی جاسوسی بازداشت شدند برای حزب ما همچنانکه برای همه احزاب کمونیست و کارگری و علاوه بر آن همه نیروهای مترقی و دموکراتیک و ضد امپریالیست این اتهام آنقدر کهنه شده است که دیگر نه کسی را متعجب و نه کسی را فریب می‌دهد. شما نیروئی یا شخصیتی را که پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر واقعاً بخاطر استقلال، آزادی، دموکراسی و عدالت - اجتماعی، بویژه علیه سرمایه و غارت سرمایه‌داری

جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی ضد انقلاب؟

صدام که تا دیروز يك و روشکسته به تصییر بود، بر اثر ورود نیروهای ایرانی به خاک عراق، ماسک میهن پرستی و دفاع از "وطن عربی" به چهره زد و اگر ندانم کاریها همچنان ادامه پیدا کند بعید نیست که تبدیل به يك "قهرمان ملی" هم بشود!

ولی ما از ادامه جنگ گرم در مرزها نه تنها سود نبریم بلکه علاوه بر تحمل خسارات وحشتناک انسانی و اقتصادی روزانه، خود انقلاب را نیز بر لب پرتگاه سقوط کنانیم. بر اثر ادامه جنگی که دیگر درفش دفاع از میهن نبود بلکه نابود کردن "کفر و استکبار جهانی" و "بسه احتراز در آوردن برجم لاله‌الله برفراز مسکو و واشینگتن" را آماج خود اعلام کرد، کم کم کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمین‌داران و عمال لسان مواضع خود را در حاکمیت تحکیم کردند و

بقیه در صفحه ۱۲

تحمل کرده بودند.

اما امپریالیسم آمریکا خواهان قطع جنگ نبود و میخواست از جمله "بنیه" نظامی و اقتصادی دی هر دو کشور همسایه را تا حد اکثر ممکن تضعیف کند تا دست و پال عامل اصلیش در منطقه، یعنی دولت صهیونیستی اسرائیل برای تجاوز به کشورهای عربی هرچه بازتر شود. از اینرو عمال نفوذی امپریالیسم در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، با سوء استفاده از نقاط ضعف فکری رهبران و با تهییج احساسات به ظاهر اسلامی در مردم، مانع از استفاده از این موقعیت ممتاز شدند و جنگ را، همانطور که امپریالیسم آمریکا میخواست، تبدیل به يك جنگ فرسایشی کردند.

جنگ فرسایشی و برادرکنی میان عراق و ایران همچنان ادامه دارد. پس از آنکه بر اثر بیکیار قهرمانان و از خود گذشتگی توده‌های مردم ایران ارتش متجاوز صدام در داخل سرزمین ما با شکست فاحسی روبرو گردید و با بفرار گذاشت و آمادگی خود را برای صلح و مذاکره اعلام نمود، برای جمهوری اسلامی ایران بهترین موقعیت بود که به جنگ گرم در مرزها پایان بدهد و احقاق حقوق حقه ایران را از راه‌های دیگر دنبال نماید. در آنصورت صدام و رژیمش در برابر مردم عراق در بدترین موقعیت قرار می‌گرفتند و خود بخود در کوتاه مدت ساقط میشدند، چراکه بدون دلیل موجه و بدون هیچگونه دستاوردی زیانهای مالی و جانی فراوانی را به مردم عراق

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران درباره ابراز نگرانی از شکنجه زندانیان توده‌ای

چند روز پیش از آغاز نمایشهای تلویزیونی از زندان اوین که در آنها ویدئوهای قربانیان شکنجه‌های غیرانسانی را که هنوز تحت تأثیر شکنجه‌های طاقت فرسا و داروهای ویژه هستند، در برابر چشمان حیرت زده بینندگان قرار می‌دهند، کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه سرگشاده‌ای خطاب به مسئولان مملکتی در مورد توطئه خطرناکی که میتواند به بهای جان عدل‌های از بهترین فرزندان انقلاب تمام شود، اعلام خطر کرده است، که بخشهایی از آن در زیر منتشر می‌شود:

خبرهای دردناکی از زندانها میرسد: زندانیان توده‌ای، این مدافعین راستین و جانباختگان انقلاب را در زندانها شکنجه میدهند. آخرین خبرها حاکی است که حتی رهبران حزب هم زیر شکنجه‌اند و کاربرخی از آنان به بیمارستان کشیده است.

ما در نامه‌هایی که چندی پیش در رابطه با بازداشت دکتر نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و دیگر رهبران حزب برای تک‌تک شما فرستادیم، در این باره هشدار دادیم و تأکید کردیم که آنچه ما را نگران می‌کند فقط سرنوشت حزب ما و رهبران آن نیست، سرنوشت انقلاب است. متأسفانه به آن نامه‌ها ترتیب اثری داده نشد و رهبران و مسئولین و هواداران حزب - و حتی افراد کاملاً عادی که "جرمی" جز خویشاوندی با توده‌ایها ندارند، همچنان در زندانهای نامعلوم و پنهانی نگاهداری شدند و از حق استفاده از حقوق زندانی سیاسی که سهل است از حقوق زندانیان عادی هم محروم ماندند.

اینک رفتار با اسیران این فراموشخانه‌ها بحدی خشن و غیرانسانی شده که برغم آنهمه پنهانکاری برخی خبرها به خارج درز کرده و موجب نگرانی بسیار شدید ما شده است. ما لازم میدانیم نگرانی عمیق خود را این بار طی نامه سرگشاده‌ای با شما در میان گذاریم، نسبت به سرنوشت رهبران و مسئولین و هواداران حزب در زندانها ابراز نگرانی کنیم و مردم را به شهادت به طلبیم و باز و باز تکرار کنیم که سخن تنها بر سر حزب ما و رهبران آن نیست، سرنوشت انقلاب مطرح است و شما در برابر تاریخ و مردم مسئولید!

آقایان محترم

حکومت مردمی و ضدامپریالیستی ایران، که شما مسئول اداره آنید، از دو جهت به شدت تضعیف و مسخ میشود. نخست اینکه جمهوری اسلامی بیش از پیش به شیوه‌های ضد مردمی گذشته توسل میجوید و دیگر اینکه سمت حرکت آن بسرعت تغییر می‌یابد، خط عوض میشود و جمهوری راه رفته را بازمی‌گردد.

برهمنه روشن است که یک حکومت مردمی نمیتواند با شیوه‌های غیر مردمی حکومت کند. این شعار فرصت طلبانه که گویا هدف وسیله را توجیه می‌کند - از ریشه نادرست است و توجیه هر کار ناشایست با این شعار شایسته یک حکومت انقلابی نیست. ادامه این راه انقلاب را می‌پوساند.

ما در گذشته بارها این حقیقت را متذکر شدیم، ولی دلسوزی ما مورد عنایت قرار نگرفت و راست گرایان افراطی که فرهنگ حکومتی شاه را تمام و کمال به ارث برده‌اند، موفق شدند نظر خود را به جمهوری تحمیل کنند و با بهره‌گیری از فرهنگ گذشته پرونده سازی، دروغ‌گویی، سرکوب دگراندیشان و سرانجام شکنجه زندانیان سیاسی را امری عادی جلوه دهند و انقلاب را در سراشیب خطرناکی بیاندارند.

سراشیبی را که جمهوری فقط طی دو ماه اخیر در رابطه با بازداشت گروهی از رهبران حزب توده ایران پیموده از نظر بگذرانید: توطئه‌گران ضد جمهوری اسلامی که در مقامات حساس جا خوش کرده‌اند، ابتدا این فکر را قبول کردند که گویا بازداشت رهبران حزب "فوائد سیاسی" دارد و سپس برای کسب "فوائد سیاسی" گفتند که اینان "جاسوسند" و چون دلیل نداشتند دست به کثیف‌ترین نوع پرونده سازی زدند، باز

به میان آوردند و بجای ارائه سند ادعا کردند که "اعترافات داریم و چون اعترافات نبود بازجویان متخصص ساواک را به همکاری طلبیدند و در بازجویی‌ها شرکت دادند و سپس شکنجه به میان آمد..."

اگر دست این توطئه‌گران باز باشد - که متأسفانه امروز باز است - ادامه این سراشیب میتواند به بهای جان عدل‌های از بهترین فرزندان انقلاب تمام شود.

آقایان محترم

تنها در ارتباط با شکنجه زندانیان و پرونده سازیهای ننگین علیه سازمانهای انقلابی نیست که توطئه‌گران راست‌گرا فرهنگ منحط سابق را به جامعه بازمی‌گردانند، با کمال تأسف در غالب عرصه‌های زندگی ارث گذشته سربلند می‌کند و رفته رفته مسلط میشود، جهت حرکت حکومت تغییر می‌کند و خط‌ها عوض می‌شود.

شعار مرگ بر آمریکا جای خود را به پرداخت ۲۶ میلیون دلار خسارت ادعایی آمریکا بابت لانه جاسوسی و پوزش از آن دولت می‌سپارد. دانشجویان مظلوم خط امام از همه جا رانده میشوند و شیطان بزرگ با تمام قد از همه جا و از جمله از مرز ترکیه و بازرگان برمی‌گردد. بقیه در صفحه ۱۱

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران دربارهٔ ابراز نگرانی از

شکنجه زندانیان توده‌ای

بقیه از صفحه ۱۰

شعار مرگ بر شاه، بعنوان شعار نفی نظام گذشته دیگر شعاری منسوخ تلقی میشود که گویا ایستادگی خود مطلب با مرگ شاه از میان رفته و از دستور خارج شده است. هرگز مرگ بر شاه را به معنای واقعی آن (یعنی مرگ بر رژیم شاه! مرگ بر نظام اجتماعی-اقتصادی شاه، مرگ بر استبداد شاه!) بدانند و خواستار تغییر بنیادی نظام شاهنشاهی باشد در عمل مجرم شناخته میشود.

شعار آزادی زندانیان سیاسی، که در سال ۱۳۵۷ سر تا سر کشور ما رافرا گرفت و زندانیان شاه را گشود قاعدتا "می‌بایست پس از انقلاب کاملاً از میان می‌رفت ولی امروز متأسفانه بعنوان یک شعار در دستور روز مردم قرار می‌گیرد. مردم مدام مجبور میشوند از دولت بخواهند که به کار زندانها رسیدگی کند. امام مجبور میشوند که هر چند گاه برای رسیدگی بوضع زندانها دستوری صادر نمایند و خواستار آزادی زندانیان شوند، که متأسفانه مانند سایر پیام‌ها و رهنمودهای اخیر امام، یا به فراموشی سپرده میشوند و یا به غلط تعبیر شده، مستمسکی برای آزادی زندانیان ضدانقلابی و جا باز کردن برای نیروهای انقلابی قرار می‌گیرند. و حال کار جمهوری اسلامی ایران به جایی رسیده است که ما باید از رهبران آن تقاضا کنیم که کسانی را که ۲۵ سال اسیر زندانهای شاه بودند و همواره از انقلاب دفاع کرده‌اند شکنجه ندهند! چه واقعیت دردناکی! چه پدیده شرم‌آوری!

شعار عدالت اجتماعی، امروز دیگر عملاً جرم به حساب می‌آید و هر کس عدالت اجتماعی بخواهد بزند و شکنجه و تعزیر تهدید میشود. پاسداری که در آغاز انقلاب به ده می‌رفت تا مالک را بیرون کند و زمین به دهقان بدهد امروز باید همراه زاندارم به ده برود تا دهقان شهید داده را از زمین بیرون کند و مالک از آمریکا برگشته را بجای او بگذارد. و آن مأمور هیات هفت نفری که دیروز! ملاک غصبی نشود آنها را بسود مردم مصادره و تقسیم می‌کرد اینک باید این مسأله فقهی را حل کند که اصلاحات ارضی شاه شرعی بود یا نه؟ و یا به آن مالک بسیار بسیار "مسلمانانی" که از آمریکا برگشته و زمین‌های تقسیم شده در زمان شاه راهم با اصل و فرعی طلب می‌کنند، چه باید گفت؟ همین مسأله اکنون در مورد کارگران و قانون کار نیز با شدت مطرح است و احتیاجی به توضیح ندارد.

گروه‌های ضدانقلابی که در پیوند آشکار با سازمانهای جاسوسی امپریالیستی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران توطئه می‌کنند، روز بروز اعتماد به نفس بیشتری می‌یابند. کمتر کسی بفکر تعقیب آنهاست شاید حتی یک تلفن از محافل ضدانقلابی زیر کنترل نباشد، اما در عوض تلفن‌های توده‌ایها زیر کنترل است و همه سازمانهای انقلابی شدیداً "زیر فشارند". دیگر کسی جرأت نمی‌کند که در کوچه یا محل کار از انقلاب دفاع کند مبادا اسمش در لیست سیاه نوشته شود. ساواکیها و حجتیه‌ایها و سایر عوامل امپریالیسم با خرسندی کین‌توزانه‌ای اعلام می‌کنند که فهرست چند هزار نفری از توده‌ایها و اکثریتیها تنظیم شده و معیار و ملاک در تدوین این فهرست رفتار افراد در زمان انقلاب و پس از آنست. هر کس با شور و حرارت و تا پایان از انقلاب دفاع کرده توده‌ای است و اسمش وارد فهرست میشود!! یکی از حضرات ساواکی - که تازه از زندان آزاد شده و مسئولیت "حفاظت" وزارت خانه‌ای را بدست گرفته - گفته است: "منتظر دستوریم! شمارش معکوس آغاز شده است!!"

آقایان مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران!

شمارش معکوس چه چیزی آغاز شده است؟ شکنجه و سربسته کردن توده‌ایها در زندان؟ آزاد کردن جانیان و قاچاقچیان و برکردن جای آنها با مبارزین انقلابی؟ و یا پایان درد آلود یک انقلاب شکوهمند که مردم ستمدیده و ایثارگر ایران سکان آن را با آن همه امید بدست شما سپردند؟ ما در نامه‌های خصوصی که به تک تک شما بلافاصله پس از بازداشت رفیق نورالدین کیانوری و دیگر رهبران حزب نوشتیم دونکته را یادآوری کردیم که مایلیم تکرار کنیم:

نخست اینکه حزب توده ایران - صرف نظر از اینکه جمهوری اسلامی ایران با آن چگونه رفتار کند - در میان مردم سر بلند و پیروز است. این حزب از اصیل ترین شعارهای انقلاب با جانبازی و صداقت بی‌پایان دفاع کرده و طبیعی است که در لحظه عقب‌گرد انقلاب مورد تهاجم قرار گیرد، راه حزب ما که راه وحدت عمل کلیه نیروهای انقلابی از مسلمانان و دگراندیشان برای تعمیق انقلاب است، بر حق است و سرغم همه فشارهایی که به آن وارد آید، این راه پیروز خواهد شد و توده مردم زحمتکش و انقلابی ایران به درستی شعارهای حزب ما و به صداقت انقلابی آن در حمایت از اتحاد همه نیروهای انقلابی اعتقاد و اعتماد بیشتری پیدا خواهند کرد. آنچه در هجوم به حزب ما و در رفتارناشایست با رهبران آن ضربه می‌پذیرد، فقط ما نیستیم، خود انقلاب است.

دیگر اینکه مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران در دفاع از خط مردمی و ضد امپریالیستی امام و انقلاب از جهان بینی و برنامه انقلابی ما سرچشمه می‌گیرد و تغییر ناپذیر است: ما هم‌چنان از هر گام انقلابی جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنیم و بسیار متأسفیم که عوامل نفوذی دشمن، جمهوری اسلامی ایران را در چنان جاده‌ای انداخته‌اند که گامهای قابل دفاع آن روز بروز کمتر میشود و جمهوری به تدریج و در عمل خط عوض می‌کند.

آقایان مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران!

قضاوت در این باره که آیا شما در جریان افکار عمومی هستید و از واکنش مردم در قبیل تصمیمات خود باخبرید یا نه برای ما دشوار است. ولی تردیدی نداریم که اگر واقعیت را میدانستید، بیش از آنچه نشان میدهید نگران می‌بودید. توده‌های وسیع مردم که چنان صحنه‌های درخشانی از آگاهی و ایثار انقلابی بوجود آوردند - صحنه‌هایی که در تاریخ انقلابها با خط زرین ثبت خواهد شد - امروز دچار تردیدند و فردا؟

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران درباره ابراز نگرانی از

شکنجه زندانیان توده ای

بقیه از صفحه ۱۱

ما در این لحظات تاریخی شما را که زمامداران این کشورید به احساس مسئولیت در برابر انقلاب و مردم دعوت می‌کنیم. به عقب برنگردید؟ به شکنجه امید نبندید، زندانها را از انقلابیون مدافع جمهوری برونکنید، بدست خودتان ضدانقلاب را بال و پر ندهید، سرانجام این راه شکستی است که پیش از همه دامن خود شما را خواهد گرفت.

انقلاب ایران امکانات عظیمی برای پیروزی دارد. توده‌های میلیونی برای فداکاری در راه شعارهای اساسی انقلاب آماده‌اند. چرا از پیروزی انقلاب می‌ترسید؟ چرا قانون اساسی را که خود نوشته‌اید زیربیا می‌گذارید؟

بیاثید و تا پیش از اینها دیر نشده از همین جا برگردید! پرونده‌سازی رسوا علیه حزب توده ایران را متوقف کنید و کسانی را که این توطئه سنگین را به جمهوری انقلابی ما تحمیل کرده و دست به شکنجه بهترین فرزندان این آب و خاک آلوده‌اند، از صفوف جمهوری برانید و زندانیان توده‌ای و سایر زندانیان مدافع انقلاب را از زندانها آزاد کنید. شکنجه قهرمانان مقاومت زندانهای شاه حقاقت دادن به شاه و رژیم آمریکایی اوست و به چیزی تعبیر نمی‌شود جز ضعف منطق و استدلال مدعیان پوشکتجه گران و سستی یا نگاه اجتماعی آنها و ناتوانی وضع‌کنندگان و محریان قانون در حراست از اصول و محتوی آن. آنجا که داغ و درفش و شلاق و شکنجه‌های روحی برای گرفتن اعترافات آنجانی - همراه با پرونده‌سازی و صحنه‌آرایی‌های نمایشی و ضد اخلاقی و شایع کردن دروغ و افترا و برجسب‌زنی و تخطئه و توهین - به صورت نقطه امید برای برخی از اصحاب قدرت درمی‌آید و برای پیشبرد مقصود محاز شمرده می‌شود، ویا اعمال این وسایل و ابزار سیاه از سوی مقامات عالی حکومت یا سکوت و اغماض مواجسه می‌شود، چه چیز بیشتر از اعتماد و باور عمومی بر باد می‌رود و چه چیز بیشتر از قانونیت و مشروعیت حکومت خدشه می‌پذیرد؟

بیاثید دست بدست هم بدهیم ویا همان شعارهای اساسی آغاز انقلاب با شعارهای: مرگ برای آمریکا، مرگ برای شاه، زنده با استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، شوروشوقی ژرفتر از سالهای ۵۷-۵۸ برپا کنیم و انقلاب را به پیروزی برسانیم.

درست است که شما، از مدتی پیش دیگر برای هیچ مسئله‌ای راه حل عملی و روشن نشان نمی‌دهید ولی انقلاب ایران در بن بست نیست راه پیروزی این انقلاب باز است و همه مسائل جامعه در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران راه‌های درست و عملی دارد. این دشمنان انقلاب اندک جمهوری را به سرراهه می‌کشند و همه راه‌ها را از میان می‌برند. تلاش برای اتحاد با بزرگ مالکان و کلان سرمایه - داران است که سبب میشود همه کارها معطل بماند. به این اتحاد شوم نمی‌توان و نباید امید بست. امام با رهبری قاطعانه خود انقلاب شکوهمند میهن ما را به نخستین پیروزی‌های بزرگ هدایت کرد، امیدی آتشین در قلوب میلیونها انسان زحمتکش برافروخت و احترامی عمیق در ایران و جهان کسب کرد. نگذارید به این امید و احترام و سع مردمی لطمه وارد آید. سناثید دست بدست هم بدهیم تا این امیدها به ثمر نشینند و نام بزرگ امام هم چنانکه شایسته است در تاریخ ایران و جهان جا ویدان بماند. توده‌ها آماده‌اند! توده‌ایها و همه انقلابسور مردمی آماده‌اند. مسئولیت تاریخی شما و فقط با شماست.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲

داده ایران، و همه آرزوها و امیدهایشان خراب میشود.

شعار جنگ، جنگ تا پیروزی که چه بسا دشمنان، با سوء استفاده از احساسات پاک مردم علیه جنایات ارتش صدام در دهانشان میگذارند، در واقع شعار جنگ، جنگ تا پیروزی ضد انقلاب است! زیرا انقلابی که در داخل به هیچیک از هدفهای خود دست نیافته و بر اثر اشتباهات رهبران حاکمیت، تقریباً در آستانه شکست کامل قرار دارد، برای دیگران جاذبه‌ای ندارد که بتوان آنرا " صادر " کرد. ضد انقلاب ادامه جنگ را میخواهد تا بطور کامل برانقلاب پیروز شود. اگر موفق شد، خواهید دید که در ظرف چند روز با صدام سازش خواهد کرد، حتی اگر به بهای منافع ملی ایران باشد.

جنگ، جنگ تا پیروزی ضد انقلاب؟

بقیه از صفحه ۹

گرفت، آنهم در زمانی که هنوز رهبران انقلاب و بسیاری از یارانش حی و حاضرند و بر تمام کارها نظارت دارند و هر کار و اقدامی چه درست و چه نادرست، پای آنان گذاشته میشود. به دیگر سخن، خطرناکترین ضربه دشمنان خارجی و داخلی مردم ایران بر انقلاب این بود که نتوانستند نخستین خست بنای کج کنونی را بدست خود آن کسانی بگذارند که روزگاری میخواستند " جامعه قسط اسلامی " برپا کنند و اینسک بنای کج، تا حد سقوط رشد کرده و دارد بر سر خودشان و مردم زحمتکش شهید و قربانی

مانع از اجرای هرگونه اصلاحات اجتماعی به سود توده‌های زحمتکش خلق شدند. سپس کار بجائی رسید که زیر شعار " نه شرقی نه غربی " در واقع نظام سرمایه‌داری هرچند عقب مانده ولی صد درصد غربی زمان شاه را از نو بر اقتصاد مسلط کردند و هر گامی که در روزهای اول انقلاب برفع مردم محروم برداشته شده به سود بعنوان " شرقی " و " کمونیستی " مردود اعلام گردید.

بدین ترتیب، بر اثر ادامه غیر لازم جنگ، کل انقلاب در خطر مسخ کامل و شکست قرار

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی
و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

آقای معتمد رضائی، معاون وزیر کار، افزایش حقوق کارگران را عامل تورم معرفی می کند!

آقای معتمد رضائی، که به همراه وزیر کار در تهیه پیش نویس قانون ضد کارگری، کینه خود را نسبت به طبقه کارگر بخوبی عیان ساخته است، طی مصاحبه ای با روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۱ فروردین ۱۳۶۲ عدم افزایش حداقل دستمزد کارگران را چنین توصیه می کند:

"هرگونه افزایش دستمزد در افزایش نرخ تورم بدون اینکه کمک چندانی در افزایش قدرت خرید کارگران داشته باشد، اثر خواهد گذاشت و موجب بالا رفتن قیمت ها و کاهش قدرت خرید آندسته از اقشار جامعه، که افزایش حقوق ندارند، خواهد شد."

چنین استدلالی، که در ایران زمان شاه و دوره های سرمایه داری هر روز شنیده می شد و میشود، چیز تازه ای نیست، مهم و درد آور آنست که این استدلال را معاون وزارت کار دولتی، که وارث انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن شده است، می کند. معاون وزیر دولتی، که نخست وزیرش امسال را "سال مستضعفین" نامیده است، این که چرا چنین است، استواری است که بایستی مسلمانان انقلابی درون حاکمیت جواب دهند زیرا که در مقابل خلق و تاریخ مسئولند. اما آنچه که خیلی ها شاید ندانند، ولی آقای معتمد رضائی و امثال وی بخوبی می دانند اینست، که ریشه گرانی و تورم را نه در افزایش ناچیز حقوق ناچیزتر کارگران، بلکه در بازار، وزارت بازرگانی و سیستم توزیع "اسلامی" آنان باید جستجو کرد. در حقیقت درست بدلیل همین آگاهی آقای معتمد رضائی از ریشه تورم و گرانی است، که میخواهد برای ردگم کردن، طبقه کارگر را به عنوان عامل تورم معرفی کند.

واقعیت اینست و آقای معتمد رضائی و سایر دولتمردان نیز بخوبی می دانند، که حداقل دستمزد کارگران، که در زمان شاه، با ششجبهه ساواک و زور سرنیزه ارتش شاهنشاهی در حدود ۲۱۷ ریال پائین نگه داشته شده بود، پس از پیروزی انقلاب، به نزدیک سه برابر یعنی ۶۱۲ ریال افزایش یافت. این افزایش دستمزد را باید بحق یکی از دستاوردهای انقلاب دانست، اگر چه در همان زمان هم بدلیل مقاومت و خرابکارگری لبرالها این رقم از سطح واقعی در آمد ضروری برای تامین حداقل مخارج یک خانواده پست

نفره (که معیار تعیین حداقل دستمزد است)، بسیار پائین تر بود. این حداقل در سال ۱۳۵۹ به ۶۳۵ ریال رسید، یعنی فقط ۲۲ ریال افزایش یافت. در کنار این افزایش ناچیز، ظرف چهار سال سیاست کارگر ستیزانه وزارت کار (بجز دوره محدودی از وزارت آقای میرمحمد صادقی معاون فعلی وزارت کشاورزی)، در تمام دوران پس از انقلاب، به قلع و قمع اضافه کارها عیدیه ها، پاداشها، حق عائله بندی و ...

که در حقیقت اجزائی از حقوق کارگران میباشد پرداخت، بطوریکه برای نمونه حقوق ماهانه یک کارگر استادکار (در بالاترین رتبه کارگری) در شهر کت نفت، از ۵۷۰۰ تومان (در سال اول انقلاب) به ۳۲۰۰ تومان تقلیل یافته است. به این ترتیب در طول نزدیک به ۴ سال پس از تصمیم شورای انقلاب دایره افزایش حقوق کارگران، حداقل دستمزد نه تنها افزایش نیافته، بلکه آنطور که نشان داده شد، کاهش نیز داشته است.

در مقابل این روند تثبیت و کاهش حقوق کارگران بنابه اعتراف صریح اکثر دولتمردان و دست اندران کاران جمهوری اسلامی، قیمت تمامی اقلام مواد مصرفی و کالاهای ساخته شده (جز اقلامی که مانند نان و قند و شکر هنوز در دست دولت، باقی مانده است) افزایش تا ۳۰۰ و حتی ۶۰۰ درصد نشان می دهد. قیمت برنج، که در سال ۱۳۵۸ کیلویی ۶۰ ریال بود در سال ۱۳۶۱ به حدود ۱۸۰ ریال (نرخ رسمی) یعنی سه برابر رسید. قیمت اتومبیل پیکان، اگر چه وسیله ای نیست، که طبقه کارگر مصرف کننده آن باشد، لیکن به هر جهت بیانگر جانب دیگر بطف افزایش قیمت است، از ۴۸ هزار تومان به ۷۸

هزار تومان (قیمت رسمی) و در حقیقت به ۲۱۰ هزار تومان (قیمت بازار) افزایش یافته است. عوامل گرانی در سرفاها، گزارش روزنامه ها و سخنان دولتمردانی نظیر آیت الله موسوی اردبیلی بخوبی شناسائی شده اند. این عوامل همانهایی هستند، که در زندگی سیاسی ایران به تروریه های اقتصادی مشهور شده اند و در بازار لانه کرده اند. آیت الله موسوی اردبیلی در مورد گرانی و احتکار گفت که فقط در نمونه گرانی در تهران، یک سرمایه دار در عرض سه ماه ۲۸ میلیون تومان و دیگری ۱۲۲ میلیون تومان گرانی فروشی کرده اند، که هر کدام با پرداخت مبلغی بعنوان جریمه، به کسب و کار خود (یعنی کرانتر فروختن برای جبران جریمه) بازگشتند. در همان مصاحبه آیت الله موسوی اردبیلی خاطر نشان می سازد، که این دو نمونه فقط دو تا از صد نمونه است. در همین زمینه آقای برهانی دادستان دادگاه امور صنفی تهران، که بقول خودش بدلیل "رفتن بدنبال دانه های درشت" به گزارش خاتمه داده شد، در مجلس تودیع، که کارکنان این دادگاه بمناسبت عزل ایشان منعقد کرده بودند، بیان داشت که نمونه های اعلام شد حتی یک صدم آنچه واقعاً در دادگاههای امور صنفی میگردد، نیست. حال اگر ما از نمونه های گرانی فروشی یاد شده، مبلغ کمتر یعنی ۳۸ میلیون تومان گرانی فروشی در سه ماه (۱۲/۷ میلیون تومان در ماه) را بحساب آوریم و بجای صد ها برابر (آنطور که آقایان اردبیلی و برهانی گفته اند) فقط صد برابر آنرا بحساب بیاوریم، نتیجه این

میشود که در تهران با حدود یک میلیون شاغل مزد بگیر هر ماه حدود ۱/۲۷ میلیارد تومان، یعنی به ازای هر شاغل حدود ۱۲۷۰ تومان گرانی فروشی میشود. حال اگر حقوق متوسط یک حقوق بگیر (کارگری کارمند) را ماهانه حدود ۳۶۰۰ تومان فرض کنیم (یعنی حدود دو برابر حداقل دستمزد فعلی)، با یک حساب ساده روشن میشود، که ماهانه یک سوم حقوق یک حقوق بگیر ساده توسط تروریه های اقتصادی دزدیده می شود.

بدیهی است که این دزدی شبانه روزی بمردم فشار تحمل ناپذیری وارد می آورد و لذا بطور طبیعی این پرسش برایشان مطرح خواهد شد، که ریشه در چیست و عوامل آن کدامند؟ در این جست، که وظیفه حامیان سرمایه داری نظیر آقای معتمد رضائی و برخی مقامات وزارت بازرگانی، که درون دولت جمهوری اسلامی جاکشوش کرده و بایند ناف به بازار و سرمایه داری بزرگ و نوکیشان پس از انقلاب وابسته اند، شروع می شود، یعنی دادن آدرس عوضی. درست همان طور که وقتی فریاد "مرگ بر آمریکا" اوج میگرفت برخی ها "شوری را مطرح میکردند تا آمریکا منسی شود"، و درست همانطور که در بحبویه توطئه های امپریالیستی نیروهای امنیتی به دنبال نخود سیاه فرستاده میشوند تا از نفوذ "تودهایها" و فدائیان اکثریت جلوگیری کنند تا کمیسریها و کلاهی ها و سایر وابستگان به امپریالیسم، که از همین طریق به بالاترین مقام های امنیتی رسیده اند، وظیفه خود را انجام دهند و بالاخره درست همانطور که در زمانی که امپریالیسم برای زدن ضربه نهائی به انقلاب آماده میشود، رهبران حزب توده ایران متمهم به "جاسوسی برای کشورهای شرقی" میشوند تا جاسوسان امپریالیسم بتوانند "ساواک" و "حجتیه" را که پس از انقلاب بازسازی کرده اند برای زدن ضربه نهائی فعالانه وارد عمل کنند، آقای معتمد رضائی هم کارگران را بعنوان عامل تورم با انگشت نشان میدهد، تا حامیان محتر و گرانی فروش بتوانند در پناه "اسلام" توکلی و معتمد رضائی، خون کارگران و زحمتکشان را با خیال راحت بکنند. شاید امثال توکلی و معتمد رضائی برای چند صباحی با استفاده از تردید و ماضیات مسلمانان مبارز درون حاکمیت موفق شوند، آنان را نسبت به طبقه کارگر و نماینده سیاسی آن یعنی حزب توده ایران بدبین کنند و بین اقشار زحمتکش و طبقه کارگر نفاق بیانداز (همان چیزی که همواره در صدر توطئه های امپریالیسم قرار دارد).

لیکن تاریخ بالاخره نقش افشاگرانه خود را ایفا خواهد کرد و جای آقایان معتمد رضائی ها را به همراه سایر حامیان استثمار بدستی تعیین خواهد نمود.

گوشه‌هایی از نامه درد آلود یک ایرانی مسلمان خطاب به رئیس جمهور و رئیس دیوان عالی کشور

آلمان غربی برانگیخته است چرا که ما به عینش شاهد تلاش شبانه روزی هواداران آنها در جهت دفاع از امام و انقلاب و مبارزه با ضدانقلاب هستیم. ما شاهدیم که حتی این روزها پس از دستگیری رهبری آنها، بدون کمترین تغییری در سیاست خود از انقلاب و دستاوردهای آن حمایت می‌کنند. من و خواهرانم که در بعضی مقاطع با آنها همکاری داشته‌ایم، هر وقت که ما به نیروی آنها جهت دفاع از انقلاب و خنثی کردن تبلیغات مسموم ضد انقلاب احتیاج داشته‌ایم آنها بدون درنگ به ما کمک کرده‌اند.

برادران عزیز نگذارید ما را به عهد شکنی متهم کنند، نگذارید به ما تهمت تنگ نظری بزنند خود دشمن نخواهیم و نگذاریم که چهره زیبای اسلام و حکومت اسلامی لکه دار شود. نیروهای طرفدار انقلاب چنانچه از وجه از کشورهای دیگر به ما می‌گویند، سرکوب نیروهای تروریستی را می‌توانستیم بفهمیم ولی در مورد تودهایا چه چیز برای گفتن دارید؟ برادران عزیز، ضد انقلاب در خارج رخص و پایکوبی می‌کند که حزب توده و سران آنرا گرفتند. وقتی از مقامات جمهوری اسلامی ایران، همان جمهوری که اینها به کمک ارباب خود آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان غربی در صدد ساقط کردن آن هستند، می‌خواهند که مردم هر چه سریعتر آنها را حتی بدون محاکمه اعدام کنند، من اعتقاد راسخ دارم که خوشحالی ضد انقلاب زخم خورده حتماً به نفع انقلاب نیست و ایمان دارم که شما نیز بر این عقیده اید.

برادران ارجمند، مایس از شنیدن این خبر از شرم و خجالت نمی‌توانستیم در چهره آنها نگاه کنیم، چرا که ما در این شهر و دیگر برادران و خواهرانم در شهرهای دیگر شاهد بودیم و هستیم که چه تضحیقاتی از طرف ضد انقلاب برای تودهایا قایل میشوند. ۷۰۰ شرم آمده است که عدای از مسلمانان در خارج از کشور در خانه‌های خود خزید ماند و از ترس ضد انقلاب جرأت دفاع از انقلاب را ندارند و برای دور شدن از تیررس ضد انقلاب چاره در آن دیدند که به شهرهای دیگر بروند و بطور ناشناس زندگی کنند، اما من پناهی شرف اسلامی خود پایبندم در مورد تودهایا عادلانه قضاوت کنم و بگویم همه آنها مانند ما که در صحنه ماندیم به دفاع شرافتمندانه از انقلاب و زحمتکشان ایران مشغولند و در اراده آنها کوچکترین خللی نمی‌توان دید.

برادران ارجمند، حافظ دین خدا باشیم و چهره زیبای اسلام را هر چه زیباتر به جهانیان عرضه کنیم و اسلام علی و ابودرو ۷۰۰ را از دستبرد بی‌مذهبسان مذهب فروش حفظ کنیم...

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ ایران (آیت الله بهشتی تابشراه، محمد منتظری رضوان الله علیه، دکتر باهنرو رجائی رحمته الله علیهم ۷۰۰) مدتی است که باز هم نیروی خود را متمرکز کرده و حمله را آغاز کرده‌اند و درد ناگتر اینکه باز هم بنام مذهب، مذهب شرک علیه مذهب توحید، مذهب طرفداران سر- ماینداری علیه مذهب طرفداران کوخ نشینان، اینها دفاع از سرمایه‌داری و فئودالیسم را عین شرع میدانند و تا دلتان بخواهد آیه و حدیث و روایت می‌آورند تا از ضربه خوردن این دو پایگاه مهم امپریالیسم و ارتجاع جلوگیری کنند، اینها با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مخالفند. اینها حتی اینجا و آنجا این گستاخی را پیدا کرده‌اند که علیه آن اصول قانون اساسی که مشخصاً منافع مردم محروم و زناغه نشین را در نظر دارد به تمسخر بگیرند و از سندیت بپندازند. برادران عزیز، راستگرایان و انجمن حجتیه و کلیه کسانی که اسلام معاویه و سرمایه‌داری را مدافع هستند مدتی است که علیه چند لایحه مصوبه مجلس شورای اسلامی که منطبق با قانون اساسی در جهت حمایت از منافع کوخ نشینان است فعال شده‌اند و بطور نمونه لایحه ملی کردن با- زرگانی خارجی، اصلاحات ارضی و مالک و مستاجر را توانسته‌اند با استفاده از قدرت شورای نگهبان پایکوت کنند. شورای نگهبان که در حقیقت باید پاسدار اجرای اصول قانون اساسی ایران باشد خود علیه آن اصول فعالیت می‌کند و از آنجا که تفکر حاکم بر اکثریت اعضای شورای نگهبان خلاف حکومت اسلام انقلابی و تشییخ سرخ علوی است و تطابق با نیاز زمان و انقلاب ندارد در حکومت دشمنان انقلاب و مردم رنجیده، ماست. جای تعجب نیست که ضد انقلاب و صدای رادیوهای بیگانه و روزنامه‌های آنها از شورای نگهبان و دیگر روحانیونی که چنین تفکری دارند بعنوان افسرد ملی و اسلام شناس بزرگ و "مومن" نام می‌برد.

اما در زمینه آزادی اندیشه، آزادی احزاب سیاسی و فعالیت آنها در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسلمانان از پیامبر گرفته تا امامان معصوم و همه رهبران مذهبی آگاه، به ضرورت داشتن سعه صدر در مورد مخالفین وقایع بودن آزادی برای کسانی که پیش فلسفی جداگانه‌ای دارند تاکید داشته‌اند. در قانون اساسی ما که ثمره تلاش ۷۰۰ اسلام شناس بزرگ و مردمی است نیز چند اصل بطین امر مهم اختصاص دارد. اما خبرهای رسیده از ایران متأسفانه هجوم راستگرایان را در این عرصه هم نشان می‌دهد که بدون مقاومت پیروان باوفسای امام انجام شده است. خبر دستگیری رهبران حزب توده، ایران موجی از نگرانی را در میان ما و دیگر خواهران و برادرانم در دیگر شهرهای

مسلمانان مبارزی که از تسط طبقات بهره‌کش و ایادی آنها در نهاد های حاکمیت و خطر شکست کامل انقلاب دچار تشویش و نگرانی جدی شده‌اند نامه‌هایی خطاب به رهبران برجسته حاکمیت می‌نویسند و برخیها رونوشت آنها را در اختیار "راه توده" نیز می‌گذارند. این اعتماد به تودهایا که دارد در میان جوانان مسلمان متعهد به اسلام کوخ نشینان گسترده میشود ما را به آینده امیدوار می‌کند زیرا این هموطنان دارند بی‌می‌برند که در واقع همه مردم زحمتکش ایران صرفنظر از تمایزات قومی و مذهبی برادر یکدیگرند، در حالیکه یک میلیارد از "مسلمانان" که بنام حزب جمهوری اسلامی نمایند "مجلس میشود و نمایند" اسلام معاویه و اسلام آمریکائی است هیچ وجه مشترکی با کارگر و دهقان زحمتکش مسلمان ایرانی ندارد.

در نامه از جمله چنین می‌خوانیم:

"برادران عزیز، آنچه که این بنده خدا را بر آن داشت که از راهی دور با شما مکاتبه کنم نگرانی من و دیگر برادران و خواهران مسلمانم و همچنین عده زیادی از نیروهای طرفدار اهداف انقلاب اسلامی ایران از اوضاع و موانعی است که اخیراً بطور روشن بروز کرده و جلوی رشد و شکوفائی انقلاب را سد کرده و نمی‌گذارد که اصلترین هدف انقلاب یعنی استقرار عدالت - اجتماعی جهت رفع ستم های دوران سیاه پهلوی از زندگی محرومان جامعه تحقق پذیرد و تسور شادی و شغف برکلیه های حقیر آنان بتابد.

برادران مبارز و ارجمند، اسلامی که من و نسل جوان ایران از شما و دوستان و یاران شما آموخته‌ایم به ما می‌آموزد که تاریخ مذهب بطور اعم و تاریخ اسلام بطور اخص صحنه نبرد و گرایش عمده در طول زمان بوده است که شادروان دکتر شریعتی در اثر زیبای خود "مذهب علیه مذهب" نشان داده است که قایلین تاریخ به هزاران رنگ ظاهر میشوند تا مذهب پاک و زلال هایلیان را به مسخ بکشاند و راه انحراف آنرا با استفاده از هم شکلی ظاهری آنها هموار کنند. شما بخوبی می‌دانید که امروز نیز این دو مذهب در ایران به نبردی سرنوشت ساز مشغولند. شدت نبرد به مرحله‌ای رسیده است که نه تنها در کوچه و بازار و خانه‌نورد سر و کارخانه و مزرعه بلکه فراتر از مرزهای میهنی، و بخصوص در غروب از آن سخن می‌گویند و همه دوستان انقلاب ایران و استقلال ایران امیدوارند و بی‌مناک امیدوار که مذهب هایلی، مذهب مردم پیروز شود و بیم دارند که نکنند. باز مذهب باطل کعب الاخبث را مذهب اسلام معاویه، اسلام سرمایه‌داری، قدرت بلامنازع، را در ایران قبضه کند.

آری قایلان از خلاء حضور راد مردان

پیرامون اشتغال نیمه وقت زنان کارمند

نگرانی بانوان کارمند بحاست یا بیجا؟

دستخیز برای آرام کردن بانوان کارمند اینطور دلداری می‌دهد:

"بنده بعنوان يك خواهر مسلمان توصیه می‌کنم که ابدأ نگران نباشند؛ تا زمانیکه دل و زبان و عمل اینگونه خواهند بود به اسلام و جمهوری اسلامی و خون پاک شهدا خیانت نکنند، بلکه خد متگزار باشند... جمهوری اسلامی حق هیچ کس را پایمال نخواهد کرد." اما این دلداری خود بقدر کفایت نگران کننده است و نشان می‌دهد که طراحان لایحه دنبال يك بهانه کوچک می‌گردند تا زنان را مانند گربه های کثیف از اداره ها بیرون بیندازند؛ مصونیت شغلی با این شرط تضمین شده که "دل

از صد هزار تن بیشتر باشد. پس باهتال زینت این "ماده واحده" در بهترین حالت شامل يك درصد زنان شاغل ایرانی میشود. ضمناً باید یادآور شد برای زنانیکه خود از کودکی بر اثر فقر و محرومیت ها در کارخانه های پارچه بافی و دیگر کارگاهها، پلی دارقالی، در مزرعه و خانه، کارک سخت و کمر شکن را آغاز کرده اند و در سنین ۲۰ سالگی پنجاه ساله بنظر می‌رسند و خانهای ندارند که مدی آن باشند و کودکان خردسال خویش را هم بجای فرستادن بدرسه به قالی بافی، خد متکارک، رختشویی، فندق شکنی و بسته خندان کردن و انواع کارهای شاق و می‌دارند تا از گرسنگی نمیرند

چندی پیش لایحه ای در باره اشتغال نیمه وقت بانوان از سوی دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی شد که متن آن از این قرار است:

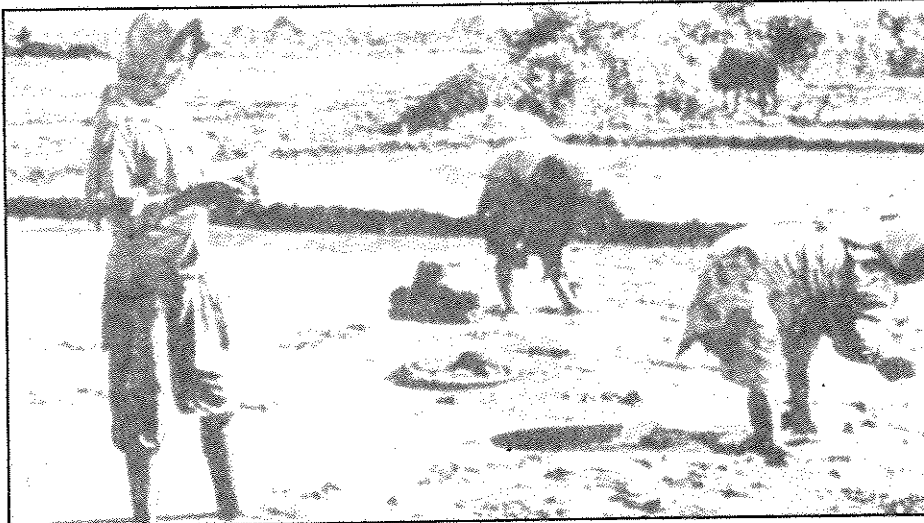
ماده واحده - وزارتخانه ها و موسسات مشمول قانون استخدام کشوری و شرکت های دولتی و موسساتی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، می‌توانند در صورت تقاضای بانوان کارمند رسمی و ثابت خود و موافقت بالاترین مقام مشمول خدمت آنها را نیمه وقت تعیین نمایند.

طراحان و موافقان این لایحه بر این عقید مانده که تحقق آن "عاطلی مؤثر در احیاء خانواده و پرورش صحیح فرزندان و جلوگیری از هرز رفتن نیروی ای مفید و ایجاد اشتغال در جامعه" خواهد بود، زیرا، توجه زن به نقش خود در خانواده به عنوان مدیر خانه و وظیفه همسری و تربیت صحیح کودکان درون طای روشن و امید بخشی از يك جامعه متعالی را جلوه می‌سازد. متن این ماده واحده و توجیهات مربوطه به آنرا از روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حزب حاکم جمهوری اسلامی - دهم بهمن ماه ۱۳۶۱ نقل کردیم.

اما بانوان کارمند صاف و ساده "نگران آیند" خویش شده اند که مبادا آنها را بعنوان مختلف از ادارات کنار بگذارند و حقوقشان قطع شود. آیا رفتار عناصر مسلمان نما و قشری طی چهار سال گذشته که هدفهای یلید خود را با زور و فشار و نقض قوانین تأمین میکنند، نمی‌تواند موجب نگرانی بحق بانوان کارمند باشد؟ و مهمتر اینکه در آیند آیا باز هم آنها را استخدام خواهند کرد؟

اگر این ماده واحده شامل حال اکثریت شکنند زنان زحمتکش کشور ما می‌شد، می‌توانستیم جمله - دانهای نویسنده روزنامه جمهوری اسلامی را جدی بگیریم و فکر کنیم واقعاً قصد کمک به زنان شگ در میان بوده است تا گویا نقش اصلی خود را به عنوان مدیر خانه، و وظیفه همسری و تربیت صحیح کودکان "بعهد بگیرند. ولی این لایحه فقط مربوط به بانوانی است که رسمی و ثابت هستند و از شما چه پنهان، مانند تمام کارمندان اداری دولت فقط از ۸ صبح تا ۲ بعد از ظهر یعنی ۶ ساعت در روز کار می‌کنند و اگر آنها را با زنان کارگر مقایسه کنیم در واقع نزدیک به نیمه وقت یعنی سه چهارم وقت کار می‌کنند، آنهم بشرطیکه برای کارگران و دیگر زحمتکشان اصل ۸ ساعت کار در روز رعایت شود که نمی‌شود.

میهن ما ایران حدود ۴۰ میلیون جمعیت دارد. اگر فرض کنیم نصف جمعیت یعنی ۲۰ میلیون تن زن باشند و نیمی از اینان دخترکان خردسال و پیر زنان از کار افتاده، باز هم ده میلیون زن در شهر و روستای ایران در سنین اشتغال هستند و به صورت های گوناگون کار می‌کنند. ما در مورد تعداد بانوان کارمند رسمی و ثابت آمار در اختیار نداریم اما تصور نمی‌کنیم تعداد آنان



و زبان و عمل "آنها نباید به "اسلام و جمهوری اسلامی و خون شهدا" خیانت کنند. بدیگر سخن نه تنها کوچکترین خرد گیری بر اعمال کسانیکه دارند بنام "اسلام" آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی، حقوق قانونی کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان زن و مرد را پایمال می‌کنند خیانت محسوب می‌شود؛ بلکه بویژه در مورد زنان می‌توان حتی يك سانت "عقب رفتن روسری" را هم خیانت به "اسلام و خون پاک شهدا" جلومگر ساخت و حکم اخراج را کف دستشان گذاشت.

تنها نگرانی بیجای خانم دستخیز آنجاست که تصور می‌کند که "مدرسه ها و بیمارستانها و در واقع مراکز آموزشی و بهداشتی نمی‌توانند از وجود خواهان بطور تمام وقت استفاده کنند و اینگونه مراکز دچار رکود می‌گردند." نه، خیال خانسم دستخیز آسوده باشد، همانطور که قانون کار آرای توکل کار کودکان را منع کرده، تنها خواسته که قرار داد کار با قیم آنها منعقد شود، آنجا هم که به نیروی کار زنان نیاز دارند، با هیچ گونه اشتغال نیمه وقت موافقت نخواهند کرد و "کیان خانواده و تربیت فرزندان برومند" را فراموش خواهند نمود. اشتباه بزرگ خانم های نماینده مجلس اینست که

صحبت از مدیریت خانه و وظیفه همسری و تربیت صحیح کودکان کردن جز يك شومی تلخ و بی مزه چیز دیگری نیست. تردیدی نباید داشت که قصد طراحان این "ماده واحده" بر خلاف توجیهات بر آب و تاب روزنامه جمهوری اسلامی کمک به زنان زحمتکش ایرانی نبوده است.

خانم دستخیز نماینده مجلس می‌گوید که این موضوع مورد درخواست خود خانم ها بوده زیرا بارها تقاضای کار کمتر از سوی خانمها مطرح شده بود و از مقامات تصمیم گیرنده مملکت می‌خواستند به آنها کمک شود تا هم کار خود را از دست ندهند و هم بتوانند بچه دار شوند و بیشتر وقت برای تربیت فرزندان داشته باشند. دولت هم با طرح این موضوع نیت خیری داشته است و می‌خواستند در حقیقت ثوابی بکنند ولی ممکن است کباب هم بشود و شری برگردنش بیفتد. یعنی خانم دستخیز خود نگران است که مبادا مطابق ضرب المثل "آمدیم ثواب کنیم کباب شد" از این قانون سوء استفاده شود. صاحبه های روزنامه جمهوری اسلامی بسا چند تن از زنان کارمند نشان میدهند که آنان خواهان کار نیمه وقت نبودند، بلکه مهتد کودکان و کودکان در کنار محل های کار خود می‌خواستند و از این لایحه احساس نگرانی می‌کنند. بانو

پیرامون اشتغال نیمه وقت زنان کارمند

بقیه از صفحه ۱۵

تصور می‌کنند زنان باین علت به شغل خارج از خانه می‌پردازند که "یا در رژیم طاغوت عادت به صرف پیدا کرده‌اند و یا "جامعه نیاز به کارشان دارد و تکلیفی به آنان پیشنهاد می‌کند". شاید دلیل طرز تفکر نمایندگان محترم زن این باشد که اینان از خانواده‌های مرفه هستند و خود بر حسب تمسّن بکار خارج پرداخته‌اند و دردهای زنان کارگر روستائی و شهری را بدرستی نمی‌دانند و بر ایشان روشن نیست چرا زنان شهری و روستائی از بام تا شام به کار سخت و طاقت فرسا می‌پردازند و حتی کودکان خردسال خویشرا نیز به کار وامی‌دارند؟

خانم دستغیب می‌گوید "مادران اندیشمند و دلسوز می‌دانند که اولین و مهمترین وظیفه زن نگهداری فرزند و تربیت آنست". البته زنان زحمتکش شهری و روستائی "اندیشمند" نیستند زیرا امکان سواد آموزی و فرصت آندیشدن در دستشان نبوده است. آنچه که دیدماند شنیده‌اند و با گوشت و پوست خود احساس کرده‌اند، کار سخت و طاقت فرسا از دوران کودکی تا پیری زودرس و فقر و نکبت دوران پیری بوده است. آنان می‌دانند که برای پرکردن شکم خود و کودکانشان باید شب و روز زحمت بکشند و اینکار را هم بدون اینکه نیازی به نصایح قشرهای مرفه داشته باشند انجام میدهند.

متأسفانه خانم بهروری نمایندگی مجلس که سخت مرعوب قشریهاست بیش از دیگران گوشیده است جنبه‌های منفی این لایحه را لاپوشانی کند. او نخست استدلالات عجیب و غریبی می‌کند که گویا در فرانسه علت ورود خانمها به ادارات و شرکتها، کشته شدن میلیونها نفر از مردم و معلول شدن آنها در جنگ دوم جهانی بوده و سپس مدعی میشود که در کشورهای کمونیستی سیاست بر مبنای کار و اقتصاد است لذا زنها مجبورند کار کنند حتی کارهای مشقت بار و طاقت فرسائی مثل بنائی، گل‌کشی، بیل زنی، اسلحه سازی و حضور در میدان های جنگ و کارهای سنگین و نامناسب دیگر که موجب ملالت و بیعاری زنان میشود. واقعاً که اینهمه بی اطلاعی یک نماینده مجلس حیرت انگیز و تأسف آمیز است. بویژه هنگامیکه یک زن، توجیهگر توطئه های آشکار علیه زنان میشود، نمی‌توان بی تفاوت ماند. نمی‌دانیم خانم بهروری از وضع زنان زحمتکش شهری و روستائی ایران اصولاً اطلاعی دارد و زندگی مشقت بار آنانرا می‌شناسد یا نه؟

زنان تا پاله جمع کن سقز به علت تعاس مداوم با فضولات، در معرض ابتلا به بیماریهای پوستی قرار دارند، چون برای درست کردن تا پاله، بسایند دستها و پاها را به کاربرد. اما ایشان بجای دل سوزی برای زنان خودمان، بی مقدمه بیاد زنان کشورهای سوسیالیستی افتاده است که گویا بر اثر بیل زنی و گل کشی بیمار می‌شوند! از آن بدتر - خورد او به مسائل درمانی بمتابه موضوعی مربوطه به حجاب و تقوا و ناموس است. میدانید خانم بهروری (در کشورهای سوسیالیستی افتخار می‌کنند

به اینکه هیچ کس در خانهاش زاده نمی‌شود و در خانهاش نمی‌میرد. زنان باردار اگر وضع غیر عادی داشته باشند حتی، ماهها پیش از زایمان در زایشگاهها نگاهداری میشوند، و زیر نظر دکترها هستند که اکثرآ مرد می‌باشند و بهنگام هر زایمانی علاوه بر پرستار و ماما باید دکتر جراح هم در دسترس باشد تا در صورت پیدایش کوچکترین حالت غیر طبیعی دخالت کند تا جان زانو و نوزاد را حفظ نماید. اینرا هم باید بدانید که جراحان نیز بیشتر مرد هستند و اینکه رفتن سرزاورگ نوزاد در کشورهای سوسیالیستی بحد اقل چند در هزار رسیده است. حاصل کوشش این جراحان و وسائیل مجهز پزشکی است که در اختیار تمام مردم میباشد شنیدن سخنانی از نوع اظهار نظرهای خسانم بهروری، در قرن بیستم در بهترین حالت شگفت انگیز است.

سخنان خانم رجایی هم در توجیه این لایحه دست کمی از سخنان خانم دستغیب و خانم بهروری ندارد. ایشان هم در ارتباط با مسئله "تربیت فرزندان که یکی از مهمترین و پیچیدترین مسائل زندگی است" فوری به این نتیجه میرسد که "کار نیمه وقت برای مادران این فرصت را به آنها میدهد که برای مسائل تربیتی فرزندان خود بیشتر فکر و مطالعه داشته باشند". خانم رجائی در پاسخ زنان کارمند که پیشنهاد داده‌اند که به جای نیمه وقت کردن کار خانمها بهتر است امکانات لازم و یا مهد کودک به وجود بیاورند "میگوید: "مادران باید توجه داشته باشند که هیچ کس نمی‌تواند دایه مهربانتر از مادر باشد". البته دایه معمولاً از ماد مهربانتر نیست ولی دایه آموزش دیده برای کار در شیرخوارگاهها و کودکستانها، بسیار چیزهای می‌داند که مادر زحمتکش و بیسواد نمی‌داند و اگر هم می‌دانست فرصت تحقق آنرا نداشت. خانمها نماینده مجلس هیچ ضرری نمی‌کنند اگر سری بپیک از کشورهای سوسیالیستی بزنند و با شبکه شیرخوارگاهها و کودکستانهای آنها آشنا شوند. آنگاه اگر کمی انصاف داشته باشند تصدیق خواهند کرد که برای یک مادراگحتی تمام روز هم در خانه باشد، امکان ندارد چنین شرایط مناسبی را برای رشد جسمی و فکری فرزند خود فراهم آورد. هر مادر و پدری صبح زود، هنگام عزیمت به کار، کودکان خردسال خویشرا در نزدیکی محل سکونت خود تحویل شیرخوارگاهها و کودکستانهای بزرگ و مجهز میدهند که زیر نظارت مستقیم وزارت بهداشت هستند. کودکان آنجا صبحانه، نهار و عصرانه میخورند، بعد از ظهرها میخوابند، یا انواع بازیهای کودکانه مفید که موجب رشد فکری می‌شود سرگرم می‌گردند، اشعار کودکانه می‌آموزند، ترانه های کودکانه یاد میگیرند، عادت می‌کنند وظایف شخصی خود را بدون کمک دیگران انجام دهند، یا هرچیز که بازی کردند بعد موظفند آنرا جمع آوری کنند و سر جایش بگذارند و الی آخر. از ۵ بعد از ظهر به بعد، پس از بازگشت از کار، پدر و مادرها به کودکستان یا شیرخوارگاه می‌آیند و بچه های خود را تحویل میگیرند.

همین بچه ها هستند که پس از بزرگ شدن تبدیل به کارشناسان عالقدر در رشته های علمی صنعتی و فرهنگی میشوند و چنان انقلاب علمی - فنی و فرهنگی در شهر و روستای خود بوجود آورده‌اند که متأسفانه ما سالهای سال هم بگرد پایتانه نخواهیم رسید، زیرا هنوز اندر خم یک کوجه مانده ایم. این کودکستانها و شیرخوارگاهها تنها باعث ایجاد عقده های روحی در کودکان نمی‌شوند، بلکه آنانرا از همان نخستین گامها بسرای ایستادن روی پای خود در زندگی آماده می‌کنند. اگر کودکان ایرانی هم می‌توانستند مانند کودکان کشورهای سوسیالیستی در هنگام عزیمت مادران و پدرانشان به کار زیر نظر دختران و زنان آموزش دیده و دلسوز در شیرخوارگاهها و کودکستانها باشند از شر بسیاری معایب اجتماعی خلاص می‌شدند. ولی افسوس که ما از این مراحل هنوز بسیار دوریم.

یکی دیگر از افسانه هائی که قشریها روزانه به زنان ما حفته می‌کنند این است که گویا وظیفه نگهداری و تربیت فرزندان تنها به عهده مادران است و مردان باید به کارهای مردانه خود برسند. در هیچ جای دنیا دیگر چنین چیزی نیست و امید داریم در وطن ما هم باقیمانده های آن به تدریج محو شود. نگهداری از فرزندان و تربیت آنان وظیفه مشترک پدر و مادر است و از همان نخستین ماههای تولد کودک، زن و مرد بایستد وظایف معین خود را در این جهت بعهده بگیرند. هم اکنون نیز در بسیاری خانواده های زحمتکش پدر و مادر مشترکاً وظیفه نگاهداری و پرورش کودکان را بعهده دارند. و اما در مورد مردان حرمسرا - دار و چند زنه البته که زنان باید در خانه محبوس گردند تا حاج آقا خیالش تخت باشد.

برخی از طراحان این "ماده واحده" پنهان نمی‌کنند که هدفشان از اجرای این لایحه خالی کردن ادارات از زنان و ایجاد امکان اشتغال برای مردان بیکار است. روزنامه جمهوری اسلامی معتقد است که اجرای این طرح "علاوه بر احیای خانواده ها و اصلاح ادارات از نظر بکارگیری نیروهای انسانی عالمی است مؤثر و مفید در ایجاد اشتغال جدید و فرصت کار برای نیروی جوان که بیکار مانده و شاید بهین علت از تشکیل خانواده سرباز می‌زنند".

همین اعترافات ناخواسته است که به بانوان کارمند حق می‌دهد نسبت به اهداف واقعی طراحان این لایحه مظنون باشند و با نگرانی به سرنوشت خود در آینده نزدیک بنگرند.

بیاینه و پیر خاله کمیته مرکزی ...

بقیه از صفحه ۱۴
می‌طلبیم که هر چه زودتر اجازه دهند هیأتی ناظر، بی طرف و بین المللی مرکب از حقوق دانان و پزشکان متخصص وارد در امر شنجه‌های جسمی و روانی با متهمین دیدار و چگو - نگی دریافت این باصطلاح "اعترافات" را برای مردم ایران و همه مردم جهان روشن سازند.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲

جوانان ۵۰ کشور پشتیبانی همه جانبه خود را از حزب توده ایران اعلام کردند

ما، امضاء کنندگان ذیل، نمایندگان حاضر در اجلاس هیأت اجرایی فدراسیون جهانی جوانان دمکرات که از ۲۱ تا ۲۳ آوریل در برلن غربی برگزار شد، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران استقبال کرده و همواره از آن در مقابل لجن پراکنی و تعرضات آمریکا و هم پیمانانش دفاع نمودیم.

ما به نقش حزب توده ایران و هوادارانش، چه در داخل و چه در خارج از ایران، بعنوان مدافعین پیگیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در تحکیم، دفاع و تعمیق دستاوردهای انقلاب، واقفیم و به آن ارج می نهیم و بنا بر این از خبر بازداشت نورالدین کیانوری و سایر رهبران حزب توده ایران و همچنین کیومرث زرشناس مسئول سازمان جوانان توده ایران بسیار متأثر و نگران شدیم.

هراس ما از آن است که جمهوری اسلامی ایران راه رفته را بازگرداند، دستاوردهای بنیادی مندرج در قانون اساسی، پسه نفع زحمتکشان، مانند تقسیم اراضی و ملی کردن بازرگانی خارجی زیر پا گذاشته شود و باعث سستی ستونهای انقلاب گردد. ما از مقامات جمهوری اسلامی ایران، که اکنون مسئول سلامت جان این زندانیان می باشند، مصرانه می طلبیم که در آزادی بلاد رنگ و بی قید و شرط آنان اقدام نمایند، تا این مبارزین بتوانند به وظایف خود در دفاع از انقلاب ادامه دهند.

• سازمان جوانان دمکرات افغانستان • جنبش مردمی جوانان برای آزادی آنگولا • فدراسیون جوانان کمونیست آرژانتین
• اتحادیه جوانان بنگلادش • جوانان کمونیست بولیوی • جوانان کمونیست برزیل • جوانان کمونیست شیلی • جوانان سوسیالیست شیلی • جوانان کمونیست کلمبیا • اتحادیه جوانان سوسیالیست کنگو • جوانان پیشاهنگ (آوانگارد) کوستاریکا • سازمان متحد جوانان دمکرات قبرس • جوانان کمونیست دانمارک • جوانان سوسیالیست جمهوری دمیکن • جوانان انقلابی دمیکن
• جوانان کمونیست اکوادور • اتحادیه جوانان دمکرات مصر • سازمان جوانان دمکرات فنلاند • جنبش جوانان کمونیست فرانسه
• جوانان کارگر سوسیالیست آلمان فدرال • سازمان جوانان کمونیست بریتانیا
• سازمان ملی جوانان گرنادا • جوانان کمونیست یونان • سازمان جوانان پیشرو گایانا • فدراسیون سراسری جوانان هند و -
ستان • سازمان جوانان کمونیست اسرائیل • سازمان جوانان (پ.ان.پ) جامائیکا • سازمان جوانان دمکرات ژاپن
• سازمان جوانان سوسیالیست ژاپن • سازمان کارگران سوسیالیست کره (جمهوری دمکراتیک کره) • اتحادیه جوانان دمکرات لبنان • کمیته انقلابی جوانان و دانشجویان برای دفاع از انقلاب سوسیالیستی (مادگاسکار) • اتحادیه انقلابی جوانان مغولستان • اتحادیه کل دانشجویان فلسطین • سازمان حزب خلق پاناما • جوانان کمونیست پرتغال • سازمان ملی جوانان -
کنگره سراسری خلق سیرا لئون • فدراسیون جوانان کمونیست سریلانکا • اتحادیه جوانان سو دان • سازمان جوانان کمونیست سوئد • سازمان آزاد بیخش کارگران جوان ایالات متحده آمریکا • اتحادیه جوانان کمونیست اورگوئه • جوانان کمونیست ونزوئلا
• اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مینه • اتحادیه جوانان سوسیالیست یمن (یمن دمکراتیک) • سازمان جوانان کمونیست مالتا • سازمان جوانان پیشرو ترکیه • سازمان جوانان سوسیالیست کارل لیکنشت برلن غربی • اتحادیه جوانان عرب
• اتحادیه بین المللی دانشجویان آی.یو.اس

بود که به تشریح سیاستهای مداخله گرایانه امپریالیسم در این مناطق پرداخته، این سیاستها را بشدت محکوم نموده و همبستگی فدرا - سیون جهانی جوانان دمکرات را با خلقهای در حال مبارزه با امپریالیسم اعلام می داشت.

از طرف جوانان توده ایران یک هیئت نمایندگی به عنوان عضو رسمی هیئت اجرائیه در این پلنوم شرکت داشت و طی یک سخنرانی، تحلیلی از اوضاع کنونی جهان و موقعیت ایران ارائه داد. سخنران این هیئت در نطق خود پس از اشاره به خطر بی سابقه ای که از جانب سیاستهای تسلیحاتی امپریالیسم صلح جهانی را تهدید می کند اظهار داشت:

"امپریالیسم با تمام توان خود برای بدست آوردن برتری جهانی تلاش می کند و به خاطر آن از هیچ وسیله ای، حتی از جعل آمار بمنظور متغییل کردن افکار عمومی به سوی سیاست تسلیحاتی خود و برای اثبات ادعای واهی بقیه در صفحه ۲۰

پلنوم هیئت اجرائیه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات با موفقیت برگزار شد

لقب گرفت، تحت عنوان "موشکهای هسته ای جدید نباید در اروپا مستقر گردند و به سوی اروپای تهنی از سلاحهای هسته ای"، به اتفاق آراء تصویب شد. این قطعنامه ضمن اعلام پشتیبانی از پیشنهادات اخیر کشورهای عضو پیمان ورشو، سیاست جنگ طلبانه کشورهای عضو ناتو، به ویژه آمریکا را محکوم کرده و از این کشورها خواست تا پاسخ سازنده و واقع گرایانه ای به این پیشنهادها بدهند.

دومین سند مصوبه پلنوم تحت عنوان "بیا - نیه همبستگی با مبارزات جوانان و خلقهای آسیا، آفریقا و آمریقای لاتین در مقابل سیاست مداخله گرایانه امپریالیسم"، شامل ۱۹ ماده

پلنوم هیئت اجرائیه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات از تاریخ ۲۱ تا ۲۳ آوریل در برلن غربی با شرکت هیئت های نمایندگی سازمانهای جوانان از ۵۷ کشور تشکیل شد.

در این پلنوم گزارش دفتر سیاسی و همچنین طرح برنامه فعالیت های آتی فدراسیون به اتفاق آراء پذیرفته گردید. طبق این طرح فعالیت های آینده اعضا این فدراسیون بر شالوده مبارزه برای حفظ صلح خواهد بود. شرکت کنندگان در این اجلاس پس از سه روز بحث سیاسی و تبادل تجارب مبارزاتی کشورهای مختلف، با تصویب قطعنامه به کار خود پایان دادند. اولین قطعنامه که "بیانیه برلن غربی"

روزنامه "جمهوری اسلامی" منادی انقلاب و اسلام است و یابندگوی امپریالیسم خبری؟

روزنامه "جمهوری اسلامی" در شماره دوشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۶۲ خود مقاله‌ای را از "دیلی تلگراف" یکی از ارتجاعی‌ترین روزنامه‌های انگلستان به نقل از "کرسنت اینترنشنال" زیر عنوان "آپارتاید" نظامی در شوروی ترجمه و چاپ کرده است.

این یکی از مقالات پیش‌پا افتاده و بی ارزش ضد شوروی و ضد کمونیستی است که هر روز در روزنامه‌های ارگان امپریالیسم خبری بچاپ میرسد و معلوم نیست چرا اینقدر جلب توجه سردبیر روزنامه "جمهوری اسلامی" را کرده که حتی بخشهایی از آنرا با حروف سیاه به چاپ رسانده است. اما هنگامیکه اندکی دقیقتر به قسمت‌های برجسته شده

بنگریم در خواهیم یافت که چرا این قی کرده‌های امپریالیسم خبری بدهان حجت‌هایها مزبورده است: "آسیایی‌های مرکزی که در ارتش شوروی خدمت کرده‌اند، به تصویف حوادثی پرداخته‌اند که در جریان آن، روس‌ها سعی کرده‌اند مسلمانان را وادار به خوردن گوشت خوک بکنند." معلوم میشود که این "روسها" خیلی آدم‌های بدی هستند. در ارتش‌های آمریکا و انگلستان و فرانسه که تعداد مسلمانان چندان اندک نیست، همیشه گوشت گوسفند و گاو ذبح شده بطریق اسلام به سربازان مسلمان داده میشود در حالیکه این مارگیست‌های ملحد سعی میکنند مسلمانان را وادار به خوردن گوشت خوک بکنند. از اینجا روشن میشود که دشمن اصلی ما مسلمانان کفر و الحاد

است و گرنه با بیرون مذهب منسوخ که موجد هستند و غذای خودشان را به ما تعارف نمی‌کنند و جوجه مشترک زیاد داریم و حتی میتوانیم در وهله‌هایشان را سگه نقد بگیریم و در ارگان حزب جمهوری اسلامی منعکس کنیم!

نمیدانیم آیا آقای سردبیر اطلاع دارد که از صد و چند سال پیش تا کنون، سرمایه‌داران و غارتگران ملی و بین‌المللی، برای گمراه کردن توده‌های زحمتکش و مانع‌تاز گرایش‌شان به مارکسیسم و کمونیسم پیوسته بدروغ‌هایی از قبیل اشتراکی‌زنان متوسل شده‌اند و میشوند؟ و اینکه که سوسیالیسم واقعاً موجود نظام استعماری آنها را از هم فروپاشیده و تکیه مستحکم برای مبارزه با نواستعمار و امپریالیسم بوجود آورده هر روز دروغ‌های تازه‌تری ابداع میکنند تا لاف‌تل اتحاد شوروی را هم شریک جرم خویش جلوه دهند و خلق‌های جهان را نسبت با اتحاد شوروی بد بین کنند تا در حیطة نفوذ غرب امپریالیستی باقی بمانند.

آخر این امپریالیسم انگلستان که پایه گذار تبعیض‌نژادی است و هنوز هم خود ایالات متحده آمریکا و جمهوری آفریقای جنوبی بدترین نمونه‌های تبعیض‌نژادی نوع انگلیسی را میتوان دید چه اعتباری نزد شما دارد که از قول یک کارشناس انگلیسی اظهار نظر می‌کنید که "دستگاه رهبری شوروی یک نظام "آپارتاید" نظامی را اعمال میکند؟ و نه تنها این، بلکه "پارای از تحلیل گران غربی عقیده دارند که خشونت‌های ناشی از نژاد پرستی ممکن است بیش از آن که در باره آن گزارش داده شده است در حیات سر با زخانه شوروی روی بد هفت اما این "تحلیل گران غربی" از سر هفتند کردن تمام این اراجیف ضد الفاک کردن یک فکر معین را با شخص ساده لوح داشته‌اند که متأسفانه مترجم سردبیر روزنامه "جمهوری اسلامی" هم از حول حلم توی دیگ افتاد ماند:

"هر چند احتمال نمیرود که در صورت مداخله شوروی در لهستان، عامل مسلمان بودن سربازان مانعی باشد. اما هر گاه روسیه عملیات نظامی بزرگی را در منطقه خلیج فارس آغاز کند، این عامل میتواند مهم از کار در بیاید. همچنین اگر این گونه اقدام علیه چین که خود ۱۵۰ میلیون مسلمان دارد انجام شود، عامل مزبور میتواند با اهمیت از کار در بیاید. نیروهای مداخله سریع آمریکا در صحر و ترکیه و خلیج فارس آماده تجاوز به کشور ماست. "جمهوری اسلامی" از امکان عملیات نظامی اتحاد شوروی در خلیج فارس صحبت میکند. امپریالیسم در سراسر جهان و بویژه در خاور نزدیک و میانه، آمریکای مرکزی، آفریقای جنوبی در حال مداخله و تجاوز نظامی است، "جمهوری اسلامی" از احتمال مداخله در لهستان و حمله به چین از جانب اتحاد شوروی صحبت میکند.

باید پرسید "جمهوری اسلامی" منادی انقلاب و اسلام است یا بلندگوی امپریالیسم خبری؟

آیا سیاست داخلی و خارجی حزب جمهوری اسلامی "یکروز بیمان دوستی، روز دیگر قتل عام" است؟

در شماره ۱۲ اسفند ۱۳۶۱ روزنامه جمهوری اسلامی سخنرانی حجت الاسلام سیدعلی خامنه‌ای دبیر کل حزب جمهوری اسلامی در برابر گروهی از کارکنان امور خارج از کشور این حزب، درج شده بود. یک بخش از این سخنرانی حاوی نکته‌های بسیار پر اهمیت و در عین حال سخت نگران کننده است.

ظاهراً آقای رئیس‌جمهور در برابر پرسشی پیرامون وحدت عمل با دیگر نیروها و شیوه رفتار با آنها، در نبرد برای اهداف مشترک چنین پاسخ داده است: "همیشه حوادث یکجور نیست. اما همیشه کسه موضعی‌های موسمی سیاسی به یک نوع نیست. جمهوری اسلامی مثل پیغمبر اکرم (ص) یک روز با بنی قریظه دوستی می‌بندد، یک روز بنی قریظه را با آن شکل قتل عام می‌کند. جمهوری اسلامی که نمیتواند موضعی‌های سیاسی را همواره بیک روال قرار بدهد."

آنچه که به نظر ما از این پاسخ حجت الاسلام خامنه‌ای به پرسش‌کننده میتوان فهمید، این است که سؤال کننده نباید از برخورد "جمهوری اسلامی" با آنانی که با اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران "بیعت" کرده‌اند تعجب کند. "جمهوری اسلامی" کارش "موسمی" است! یکروز "بیمان دوستی" می‌بندد و یکروز "قتل عام" می‌کند.

البته ما متخصص تاریخ اسلام نیستیم، ولی سخنان حجت الاسلام خامنه‌ای را در مورد شیوه پیغمبر اسلام این گونه درک می‌کنیم، که "بنی قریظه بیمان دوستی را شکستند و شایسته "قتل عام" شدند! در غیر اینصورت باید این سخنان را اینگونه درک کرد، که "جمهوری اسلامی" یک روز "بیمان دوستی" می‌بندد تا "موضعی‌های موسمی سیاسی" خود را پیش ببرد و فردا که به هدفش رسید، بیمان می‌شکند و دست‌تبه "قتل عام" می‌زند! آنوقت باید

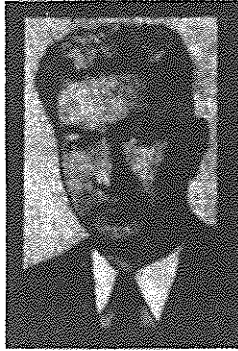
توده‌های بر سر بیمان خود باید آرند

این اصول یعنی "موضعی‌گری" انقلاب برای قطع کردن دست غارتگران و تروریست‌های اقتصادی و دادن زمین به دهقانان و تأمین مسکن برای بی خانمانها!

اگر اینها "اصول" انقلاب و مبین "موضعی‌های" آن بودند، که بودند، آنوقت آنها که با این اهداف "بیمان دوستی" بسته بودند و اکنون از این اهداف رو بر گردانده‌اند، بیمان شکسته‌اند. بقیه در صفحه ۷

به یاد محمد علی افراشته

شاعر توده‌های



۱۶ اردیبهشت، ۲۴ سال تمام از درگذشت محمد علی افراشته، شاعر توده‌ها میگذرد. وی از نخستین سالهای تأسیس حزب توده ایران به حزب پیوست و همه نیروی هنری و ادبی خویش را در خدمت خلق گذاشت. افراشته که خود فرزند زحمتکشان ایران بود، زندگی و آرمانها و آداب و سنن و زبان عادی مردم را بخوبی میشناخت و با موفقیت درخور تحسین آنها را در اشعار خود منعکس میکرد. ساخته‌های افراشته نمونه برجسته‌ای از درآمیختن ادبیات

با سیاست است. افراشته مطالب اجتماعی و سیاسی را غالباً بصورت مکالمه افراد عادی در می‌آورد و اشعار خود را از این راه به درک عموم نزدیک میساخت. افراشته از طرف مردم بحق شاعر توده نام گرفت. روزنامه چنگر که در دوران اوج نهضت ضد استعماری مردم ایران بمدیريت افراشته منتشر میشد نقش بزرگی در پیشرفت این مبارزه مقدس بازی میکرد. محمد علی افراشته تا نفس وایسین به‌شعائر

که بالای روزنامه چنگر نوشته بود:

بشکنی ای قلم، ای دست اکر

بیچی از خدمت محرومان سر

وفادار ماند و هم اکنون در آرامگاه خود در زیر

این شعار خفته است.

اینک بخشی از شعر "پندیات" او را که به

صورت نصایح یک مترجم به افراشته برای دست

کشیدن از افکار توده‌های سروده شده به بسیاری

خوانندگان "راه توده" نقل میکنیم.

پندیات

تخته کن افراشته مغازه را
 در نظمییم اندر این دیار
 هرد تیفه میزنی ساز دگر
 کهنوبند گهی آموزگار
 تازگی شاعر شدستی نمسک
 ای میان شاعران شاعر مجاز
 از تبعید از بیست سال آنگار
 اغنیا را سخت دلخور می‌کنی
 صف خرمی‌لان صف خرمی‌لان
 کارخانه‌چی از اشعارت ملول
 دیدم نام شعر تو در دکان ده
 بکنر میخواند با صوت بلند
 در تمام کارخانه کارگسار
 بدتر از سیل ملج اشعار تو
 تخم غوغای غریبی گاشتی
 خل شدی شاعر مگر بی سابقه
 است و بالنت راجه کنایه کرد
 تو کجا این دست چاقو کشان
 یک دو سه سالی که برگشته ورق
 گبر و ترسا و مسلمان و پهلوی
 هر که از بازوی خود سر مایه داشت
 ماندند بهیم هیچی حزبی اینچنین
 ترک هم با فارس میجوید مگر
 حرفهای شاعر آری می‌زنید
 کرد باید آسایش ما را خراب
 طبق قانون اساسی مالکین
 ادعایان بی پرویی هستوست
 بی سرو پا کجا اعیان کجاست
 آنکه دارد خانه و باغ و چمن
 آنکه له داد متوی ما شین چو کتک
 او ندارد فرق با آن چرخ کنر
 آنکه داریم هست خیاطش بکار
 او ندارد فرق با آن زنده موش
 آنکه در عمرش ندیده رنگ ده
 او ندارد فرق با آن بزرگسار
 خرد بی‌منطق نبایستی زدن
 گر نباشد مالک و سرمایه دار
 خالق رازق خدای عدل و داد
 (گریه مسکین اگر برداشتی)

این ادا اطلوهای تشارا
 توجیه‌کار هستی این‌گونه کنار
 هر زمان میخوانی آواز دگر
 گاه معماری گهی بیگسار
 چیزی میسازی اما کم نسک
 نه توهانی نامند آری نه جواز
 بیتر از اینها داشتیمان انتظار
 صفحه‌ها برضد ما پر می‌کنی
 می‌کنند از بهر تو خط و نشان
 تاجر از این بعب بردارت اول
 رخته کرده برهه ارکشان ده
 مردها زنها همه کف میزندند
 حسرتی را میکند با حسرت در
 هست عزرائیل ما گفتمار تو
 جای یک سانت آشتی ننگ داشتی
 می‌کنی پاره ز دست ما یقنه
 کی ترا داخل به حزب توده کرد
 تو جهاد آری می‌کنی ما بیستان
 یک کمی شد کشور جم‌تق و لوق
 ترک، گنگ، فارس، لر هر تیره یو
 نام خود را فرقه توده گذاشت
 ارمنی هم با مسلمان همنشین
 کی شوند این دو رفیق یک‌دگر
 فعله را با ما برابر می‌کنید
 فکر ما روحیه ما در عذاب
 محترم هستند در این سرزمین
 برخلاف نمی‌قانون، ناد رست
 بزرگ لختی کجا و خان کجا
 فرق با لختی ندارد مرگ مسر؟
 غیبی بریاد کرده همچو شوک
 کو بزیار بار سنگین کرده غسار
 خط سلووارش بچینه سیم تشار
 لحت و لرزان گوئی بگرفتند و ش؟
 مینوسد ده که گندم را بده
 کو برابر میرید با گاو نر؟
 دشمن عادت نبایستی شدن
 کارگر بهره خواهد کرد کار؟
 هر که را هر چیز لایق بود داد
 تخم گنجشک از جهان برداشتی

برگه ای را بن برید از درخت
 آن بی نایافته خساک تیر
 آن کی افتاده اندر رهگذر
 آن کی را نان جو ناید بدست
 آن کی گشته سقط بهر کویسین
 غیر از این برهم خورد نظم‌ها
 ماه خواهد رفت خلق از هنا
 منسود جوینند شقه از کسر
 بالبداهه منسود دنیا خراب
 عرض می‌لرزند خود گرم غسان
 کارگر را خیره می‌کنید می‌کنید
 هر چه باشد یک کتو یک بیرهن
 دیدم نام در عمر خود من نیست سنا
 خوی نامزد اسیر خساک را
 آن حق آموزید مس جل تا غلام
 دیدم نام با چشم بر عصیان خود
 چونکه آنها عید دیدند و دلیل
 باز حاجی اصغر حلد آسبان
 باز حاجی نسبت آن جا کسران
 بجهان مرد ورد در عمر حدید
 اندر این عمر منسوخ برن بست
 کارگر از بی غذائی سرد سرد
 رو بفرمان ما حزب خود نسکو
 دولت از ما مجلس از ما انبساط
 با نای علی برده سر بر دهکشان
 با نای شاهای کعبه آمال مسنا
 مسایدست بچه‌های کارگر
 ما به آن سر باز منگوشم بیتر
 هست آن زاندم در کوه و کمر
 نور جسمی‌های ما سبب رفار
 یاسان از فعله میسازیم ما
 کم اگر هستیم اما محکمیم
 رنجبر هر جا که دارد انبساط
 ترک را با فارس در جنگ افکنیم
 جنگ‌های مذهبی بریا کنیم
 پای از آن ساعت که قوم رنجبر
 بکند و یکجان بگوید بخیرین
 ترسد ازیم از قیام کارگر
 اول جنگ است جنگ بیول و کار

کرد ما و خود تیره بخت و نیک بخت
 و آن دگر بجهت خود را در سرور
 و آن دگر لم داد به بخت فسر
 و آن دگر از آجو کردیده دست
 و آن دگر دزدیده میلیون میلیون
 منسود باشد به از هم آسمان
 ازدها او را نسازد ره‌ها
 خشک خواهد گشت دریای خزر
 از تنور بیزن میجویند آب
 دست زحمتکار به مال ما دراز
 مرگ طفل، جعفرم بند میکنید
 باره بیره کرد نام بیتر از تو من
 خورد نام سنگ یک بول سناه
 خاصه حاجی اصغر مسلاک را
 با خود تراورده بود از مسرو شام
 چندتا را کشت حاجی ما لگند
 دشمنان یا تاروا یا با دلیسل
 ز خرید خویش را میداد نان
 داده بوده سکه صاحبسران
 هست یک فرمی از آن عبد و بید
 هیچکس دلوایس سردور نیست
 بزرگ از بی دوائی مرد سرد
 دست بر دارند از این‌های و هو
 ریشه و اعصاب توده دستاست
 سنگر ما هست نه زحمتکشان
 بانک رهنی یک قلم سال شما
 اسلحه دادیم برضد بسدر
 تیر خالی کن به همکاران خویش
 بچه‌های بزرگسار یا کارگسار
 بچه‌ها نان یاسان و یاسدار
 با همان بر فعله متاریم مسنا
 دزد اگر هستیم اما با همسرم
 نقشه می‌چینیم از بهر نفاق
 جنگشان وقتی که شد خط منسبیم
 از نفاق توده بشکن می‌زنیم
 کردد از طراری ما با خسر
 آمدیم از بهر حق و مسرد خویش
 از همیم و از دحام کارگر
 تا که فاتح آید از این تشارار



پنجمین سالگرد انقلاب ثور در افغانستان

مردم زحمتکش افغانستان پنجمین سالگرد انقلاب ثور را با تظاهرات و رژه با شکوه خود در کابل و دیگر نقاط کشور گرامی داشتند.

کارگران، دهقانان، پیسه وران و دیگر اقشار زحمتکش این کشور با شرکت وسیع خود در این تظاهرات و با حمل شعارهایی مبنی بر پشتیبانی از حاکمیت انقلابی استحکام روز افزون پیوند خود را با آن اعلام داشتند.

بیرک کارمل دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلاب کشور در نشست رسمی که به این مناسبت ترتیب یافته بود گفت که انقلاب ثور ۱۳۵۷ در افغانستان واتحدهای تاریخی است که دره های ترقی، رشد و سعادت و تحولات بنیادی را بر روی خلق های افغانستان گشود وی گفت وقایح ۵ سال گذشته نشان داده است که حزب دمکراتیک خلق افغانستان قیاد راست جامعه را اداره کند. با وجود شرایط بسیار دشوار و اشتباهات ذهنگیرایانه گوناگون در مرحله اول انقلاب، حزب قادر است پیروزی نهایی را تأمین کند. حزب توانسته است، خود را از لحاظ سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی تقویت کند.

بیرک کارمل، تشکیل جبهه ملی - میهنی را که در آن تمام نیروهای ملی و میهن پرست کشور گرد آمدند، دستاورد مهم روند انقلابی کشور خواند.

وی گفت مبارزه علیه ضد انقلاب، و ایجاد محیط امنی برای مردم در ارتباط تنگ با حملات اقتصادی دارد. گسترش دستاورد های انقلاب نقش مهمی در انزوی سیاسی و اجتماعی ضد انقلاب ایفا خواهد کرد. بدینحالت نیز رشد همه جانبه کشور و بازسازی مؤسسات تخریب شده توسط ضد انقلاب همانقدر فوری و ضروری است که مبارزه علیه ضد انقلاب.

وی افزود با وجود ادامه جنگ اعلان نشده امپریالیسم علیه افغانستان، دولت موفق شده است متادیر متناهی از بودجه کشور را در راه بازسازی اقتصادی کشور، تأمین مایحتاج عمومی مردم، آموزش و پرورش و مبارزه با بیسوادی و رشد فرهنگ ملی تخصیص دهد. دولت در آینده توجه بسیار به حمایت از دهقانان، گسترش و تعمیق اصلاحات ارضی و آب میذول خواهد داد. وی گفت حکومت مردمی افغانستان توانسته است با وجود ادامه مداخله نظامی در امور داخلی افغانستان که از طرف امپریالیسم آمریکا به آن دامن زده میشود، مواضع خود را مستحکم سازد. در حال حاضر مرحله پایانی سرکوب ضد انقلاب و نابودی راهزنی فرا رسیده

پلنوم هیئت اجراییه فدراسیون جهانی جوانان

بقیه از صفحه ۱۷

خود مبنی بر برتری نظامی اتحاد شوروی، روی گردان نیست. اما علیرغم این تلاشها، مردم صلح دوست جهان در کنار کشورهای سوسیالیستی به خصوص اتحاد شوروی به فعالیتها ی خود برای حفظ صلح ادامه داده و آنرا شدت بخشیدند.

" امپریالیسم جهانی به رهبری آمریکا نشان داده که هیچ تغییری در سیاست جنگ طلبانه خود نداده است و هنوز " جهان سوم " را به عنوان ملك شخصی خویش تلقی میکند و قصد دارد کلیه جنبش های آزاد بیخس، دمکراتیک و ملی را در این مناطق نابود کند. از این سیاست، انقلابات ایران و افغانستان نیز مستثنی نبودند.

سخنران سپس به نقش انقلاب ایران در برهم زدن حسابهای استراتژیک امپریالیسم در منطقه پرداخته و دستاورد های این انقلاب، از جمله خروج ایران از سنت و اخراج ۵۰ هزار مستشار نظامی آمریکا از خاک ایران را خاطر نشان کرد. وی همچنین به جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران اشاره نمود و آنرا جزئی از سیاست امپریالیسم در منطقه دانست که علاوه بر تضعیف انقلاب ایران، به ارتجاع منطقه کمک کرده و باعث به خطر افتادن صلح در منطقه و در نتیجه در جهان می شود. وی سپس نقش جنگ تحمیلی و دیگر عوامل در تقویت نیروهای راستگرا در ایران را که باعث ایجاد بحران کنونی انقلاب ایران شد، بررسی کرده

و در این خصوص اعتراض شدید جوانان توده ایران را به دستگیری رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و سایر رهبران حزب و همچنین رفیق کیومرث زرتستاس مسئول سازمان جوانان توده ایران اعلام نمود. نماینده جوانان توده سپس گروهی از مشکلات انقلاب ایران را بر سرده گفت:

" علیرغم تمام این مشکلات و پیچیدگی اوضاع در ایران، مردم ایران می دانند که آینده شان در گرو سد کردن سیاست تعرضانه سرمایه داری انحصاری و به ویژه انحصارات صنایع نظامی آمریکا می باشد. ما وظیفه خود می دانیم که از دستاورد های انقلاب ایران دفاع کرده و در جهت کاهش تسلیحات و تنش در منطقه بکوشیم و برای پایان دادن به جنگ تحمیلی امپریالیسم از میسج کوششی روی گردان نباشیم."

وی سپس پشتیبانی سازمان جوانان توده ایران را از پیشنهاد اتحاد شوروی برای تبدیل خلیج فارس و اقیانوس هند به مناطق غیرنظامی اعلام کرده و سخنرانی خود را چنین خاتمه داد: " امروز هیچ وظیفه ای مهمتر از حفظ صلح در جهان در برابر بشریت قرار ندارد، زیرا که بشریت، زندگی، آرمانها و تاملی تلاش وی برای تحقق این آرمانها، در صورت بروز جنگ هسته ای در زیر خاکستری که جهان را فرا می گیرد، دفن خواهد شد."

است. وی از کمک های برادرانه و انترناسیونالیستی اتحاد شوروی قدر دانی کرد. وی با محکوم کردن سیاست های ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا که جهان را به ورطه جنگ جهانی دیگری نزدیک ساخته است، از پیشنهادات صلح دوستانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی پشتیبانی کرد. وی با اشاره به موفقیت کنفرانس سران جنبش غیر متعهد ها، از مصوبات آن استقبال کرده و افزود که دولت افغانستان خواهان حل سیاسی مسائل پیرامون این کشور است.

نیکاراگوئه

دانیل اورنگا، رهبر انقلاب نیکاراگوئه در مصاحبه ای اعلام کرد که آمریکا در حال تدارک طرح حمله همه جانبه به نیکاراگوئه است. وی گفت دولت و جبهه آزاد بیخس ساند نیست در باره اوضاع خطرناک و متشنج در منطقه بشدت نگرانند.

وی افزود مدارکی در دست است که ثابت کند که یک جبهه تجاوری جدیدی علیه نیکاراگوئه از خلاق کستاریکا، بدون اطلاع دولت آن در حال شکل گیری است. طبق گفته اورنگا ۵۰۰ ضد انقلابی مسزدر در حال آماده شدن برای حمله به این کشورند. در هند وراس نیز ۳۰۰۰ طرفدار سوموزا متفرقند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در **الدنبورگ** هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

از لاندزهوت ۲۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 40
Friday, 6 May 83

راه توده

Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 600 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 3 Skr.

تفسیری از پراودا: کارزار تبلیغاتی ضد شوروی در ایران

روزنامه^۴ پراودا، ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در تاریخ ۶ ماه مه ۱۹۸۳ مقاله - ای تحت عنوان "کارزار تبلیغاتی ضد شوروی در ایران" انتشار داده است.

این مقاله در آخرین لحظاتی که راه توده به زیر چاپ می‌رفت بدست مارسید که بعلت اهمیت آن "راه توده" قسمت‌هایی از آنرا بصورت ضمیمه منتشر می‌کند.

اصل مقاله در شماره^۵ آینده درج خواهد شد. پراودا در ابتدا با اشاره به تبلیغات وسیع ضد شوروی در ایران می‌نویسد:

"در این اواخر رسانه‌های گروهی و بعضی از مقامات دولتی ایران به يك تبلیغات وسیع دست زده‌اند مبنی بر اینکه گویا اتحاد شوروی مشغول جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی و بدست آوردن اطلاعات سیاسی و نظامی از اوضاع ایران میباشد."

سپس پراودا با توجه به دستگیریهای اخیر گروهی از رهبران حزب توده^۶ ایران از این صحبت می‌کند، که رسانه‌های گروهی و مقامات فوق‌الذکر ایرانی بر این فشاری می‌کنند که گویا ایمن بازداشت شدگان به علت "جاسوسی برای دستگاه‌های امنیتی اتحاد شوروی به زندان افکنده شده‌اند."

پراودا ادامه می‌دهد: آنها از باصطلاح "اعتراضاتی" صحبت می‌کنند، که از طریق تلویزیون تهران به پخش وسیع آن دست زده‌اند.

پراودا خاطر نشان می‌سازد که آنچه که رسانه‌های گروهی ایران و بعضی از مقامات دولتی ایران بر آن فشاری می‌کنند "بر هیچ اساسی متکی نیست" و تاکید می‌کند که "حزب توده ایران هیچگونه اسراری که مربوط به وضع سیاسی و نظامی ایران باشد به اتحاد شوروی نداده است" و اضافه می‌کند که "رهبران حزب توده^۶

ایران، که هیچ يك از مقامات دولتی را شاغل نبوده‌اند و هیچ مقامی را در بخش‌های سیاسی و انتظامی دارا نبوده‌اند، از کجا و چه اطلاعاتی را می‌توانسته‌اند به اتحاد شوروی بدهند! پراودا خاطر نشان می‌کند که رهبران حزب توده^۶ ایران هیچ پستی در درون نیروهای نظامی دارا نبودند و حتی اعضا^۷ عادی حزب توده^۶ ایران را نیز به قوای نظامی نمی‌پذیرفتند.

سپس پراودا در مورد ارزش "اعترافاتی" که زیر فشار شکنجه از بعضی از رهبران حزب توده^۶ ایران بدست آمده است، می‌نویسد:

ارزش واقعی و بی‌اساس و پایه بودن این "اعترافات" مبنی بر جاسوسی رهبران حزب توده ایران به نفع شوروی برای خود آنها (حاکمیت ایران) معلوم است و اضافه می‌کند که: این دیگر جزو اسرار نیست، که در عرض دو سال اخیر دستگام‌های تضییق و شکنجه ایران بسیاری از اعضای حزب توده^۶ ایران را به زندانها افکنده و (باز این جزو اسرار نیست) که علیه افراد زندانی شده شیوه‌هایی برای "اعتراف‌گیری" بکار برده می‌شود، که از ساواک شاه به ارث مانده است!

سپس پراودا در مورد اعمال این شیوه‌های تضییقی توسط رژیم‌های ارتجاعی علیه رهبران احزاب کمونیستی می‌نویسد:

شیوه بکارگیری اتهام "جاسوسی" و "اعتراف‌گیری" از رهبران احزاب کمونیستی و کارگری مورد استفاده بسیاری از کشورهای ارتجاعی قرار می‌گیرد تا به این وسیله يك جنگ صلیبی را علیه کمونیسم براندازند.

پراودا سپس با توجه به سیاست امپریالیسم آمریکا و عملکرد عمال دستگاه‌های جاسوسی سیا، اینتلجنس سرویس، موساد و ساواک و دیگران می‌نویسد:

بقیه در صفحه ۲۰ ضمیمه

کارزار تبلیغاتی ضد شوروی در ایران

بقیه از صفحه پیش

پراودا ادامه می دهد که : به این نوع دروغها تمام رژیم های ارتجاعی متوسل شده اند و می شوند تا مناسبات پاک و مستقل بین احزاب کمونیستی و کارگری جهان را با حزب کمونیست اتحاد شوروی مورد سوال قرار دهند و آنرا در زیر پرده ابهام بپوشانند .

پراودا در مورد علت بکارگیری این شیوه مزرانه اظهار می کند که آنها از این طریق سعی می کنند این نتیجه گیری را القا کنند ، که اتهام جاسوسی به رهبران احزاب کمونیست و کارگری تصادفی نیست و گویا نتیجه وابستگی این احزاب به حزب کمونیست اتحاد شوروی است .
” راه تسوده ” تمام مقاله پراودا را در شماره آینده درج خواهد کرد .

با تکیه به اسناد و شواهد می توان گفت ، که جاسوسان خارجی در ایران بر اساس شیوه براه انداختن یک جنگ صلیبی ، به تنظیم اسناد نادرستی دست زده اند تا اتحاد شوروی و ایران را در مقابل هم قرار بدهند و از این طریق توطئه های خرابکارانه خود را در ایران علیه رژیم خمینی در پشت آن بپوشانند .

در ادامه مطلب پراودا در مورد دسیسه خائنا نهی که حزب ما را وابسته به اتحاد شوروی قلمداد می کند ، می نویسد :

توطئه (اتهام) وابستگی حزب توده ایران به اتحاد شوروی و اینکه گویا حزب از مسکوا داره می گردد ، کوچکترین نشانی از واقعیت ندارد و در عین حال مطلب تازه ای هم نیست .

